



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۳۰) بهمن ماه ۱۳۵۴

فهرست مطالب :

۲ - ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور .
 ۳ - تعیین دستور و موقع جلسه آینده و ختم جلسه .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای دکتر جواد سعید (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

آقایان : رامبد - رئیسی اردکانی - جاری - رحیمی لاریجانی - شلامرزا غضنفری - قوامی - دکتر نصیری - صحرانی - بانو پرومند - بانو سلیلی - بانو ضرابی .

۲ - ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور

نایب رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور مطرح است آقای دکتر ستاری به بیان نشان ادامه میدهند ، بفرمائید .

دکتر ستاری - بنام پروردگار سیاس و هزاران سیاس بر شاهنشاهانندیشمندان . جناب آقای رئیس ، همکاران محترم دوستان مطبوعاتی در جلسه دیشب بحثی درباره آمار یونسکو بود و امروز که آمدیم دیدم همه میگویند بر اساس آن صحبت بشود و من در جلسه امروز صبح این نظر را دنبال خواهم کرد بهر حال دیشب بحث مجملی

داشتیم و صحبت‌های من امروز استعاقب آنچه گفته شده است خواهد بود راجع به سیاستهای کشاورزی و همچنین نارسانیاها و نابسامانیهای در مورد عدم توفیق در برنامه پنجم و ششم که خواهد آمد در زمینه ایجاد شهرکها صحبت شد بعد تجزیه و تحلیلی شد که آیا وجود شهرک ضروری است ؟ و آنچه بوجود آمده با انتخاب محلی که برای ایجاد این شهرک ها شده خوب بوده همچنین در باره اینکه شکاف بین درآمد شهری و روستایی باید بر شود مطالبی عنوان شد و نتیجه گرفتیم که درست است که عوامل تولید از نظر کشاورزی شامل کار و سرمایه و تکنیک است ولی آن زمان چنین عواملی نتیجه مطلوبی میدهد که بین این عوامل برای تولید بیشتر هوش یا منطق فنی و یا عبارتی مدیریت نیز دخالتی داشته باشد و پیشنهادی دادم که به همراه بودجه عمرانی منطقه ای عیناً یک چنین بودجه عمرانی کشاورزی منطقه ای در اختیار انجمن های دموکراتیک قرار گیرد و با توجه باینکه این انجمن ها اولویت ها ، تنگناها را بهتر و بیشتر می شناسند بودجه توسط آنها خرج شود بحثی کوتاه داشتیم در مورد جوانان و اینکه میگویند جوانان سازنده فردا هستند حقیقت اینست که جوان سازنده امروز است که فردائی را هم دنبال دارد

این ناپسائنها گفته شود تا شاید جوانان ایرانی از مملکت خود بیشتر بدانند و به مبانی سننهای فرهنگی و قوف بیشتری بیایند.

در مورد تأسیس دانشگاه گیلان شاهنشاه آریامهر بدون اغراق روح و جان تازه‌ای به گیلان و گیلانی داد و بویژه جوانان این سامان را حیاتی تازه بخشید. (صحیح است) رهبران دیشمند مملکت که همیشه پایگاهی جانبخش و حیات ساز برای مردم ایران است با عنایت یابین درخواست چندین پاله گیلانها که میرفت بصورت عقده‌ای برایشان درآمد آنها را به بزرگترین آرزوهای طلائی شان رسانید و آرزو که این خبر در گیلان باطلاع همگان رسید من در رشت بودم و میدیدم که چگونه برادران و خواهران گیلانی، مردان و زنان این خطه زرخیز و پر نعمت که خود از نعمات و برکاتشان چندان بهره‌ای نمی‌برند شناخته و ناشناخته پس از رودرونی بی اختیار یکدیگر تیریک و شادباش می‌گویند و در ظاهر و باطن جشن عظیم برپا داشته‌اند. با زبان و قلم سرشار از قدردانی و امتنان یکدل و یکزبان همه تشکر است و سیاس بیکران خود را بجا کپی رهبری عرضه میداشتند و میدارند که سبب عظمت و سیرافرازی ملتی گراندتر بشمار می‌آید و بر اثر مجاهدت و کوشش پدیدریغ یک تنه موفق گردیده است به یمن و عظمت نظام پایدار و غرور آفرین شاهنشاهی و خلق اندیشه‌هایی مبتکرانه و پویانده ایرانی بزرگ، مقتدر و آبادان بسازد با اینکه مقدمات امر از هر نظر فراهم آمده و در اجرای حدود فرمان همایونی راههای اجرائی پیسوده شده است ولی در سال جاری با کسر ۳۵ درصد از اعتبار ۸۰۰ هزار تومانی که قبلاً به تصویب رسیده بود و همچنین ایجاد این مشکل که در سال آینده اعتبار ساختمانی و تأسیساتی وجود نخواهد داشت معلوم نیست که کار دانشگاه گیلان بجا خواهد انجامید و چگونه بنا بویعده‌ایکه ب مردم غیور و دانش پرور گیلان داده شده است این دانشگاه میتواند در سالهای تحصیلی ۵۶-۵۷ دانشجو بپذیرد، مضافاً باینکه می‌بینیم در سال ۵۵ در بودجه برای دانشگاهی که قراست عظمت و رسالتی شایسته دربر داشته باشد فقط ۶ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده که این مبلغ حتی از بودجه یک آموزشگاه هم کمتر است و اگر بودجه جاری را از آن کم کنیم مبلغ باقیمانده حتی کفاف تسطیح زمین را نیز

جوان فکر دهنده و نیرو دهنده همین امروز است و اگر امروز حساب شود شک نیست که آینده بهتری را بدست خواهد آورد. به مسائل مربوط به گرفتاریهای جوانان باید توجه بیشتری بشود و فامیل بازی و بی‌عدالتی در مورد بعضی مسائلی که مطرح شد و در نیروی جوانان خیلی مؤثر است از بین برود و بالاخره در پایان گفتار شب گذشته باینجا رسیدیم که آموزش مبانی وحدت ملی شامل چهار رکن است رکن اقتصادی، رکن سیاسی، رکن نظامی و سیاست فرهنگی، که این رکن است که فردای این مملکت را ضمانت کرده و می‌کند و بقا و هستی ملتی را ضمانت می‌کند چه بسا ممکن است هر کدام از این ارکان مورد تهاجم قرار بگیرد و به سستی بکراید ولی ضمانت و موجودیت یک ملتی، سیاست فرهنگی است و مادام که نفوذی در سیاست فرهنگی جامعه‌ای مشخص نباشد بوسیله خرابکاران غیر محلی ممکن نیست این جامعه رویه نستی برود و بهترین نمونه اش ایران است که باز عله قدرت‌های مغرب در مسائل سیاسی و اقتصادی و نظامی تا آنجا که لازم بود نفوذ کردند و چون قادر نبودند در بنیادهای فرهنگی ما نفوذ کنند نتوانستند بجایی برسند مسئله آنستکه واقعاً در آموزش و پرورش باید باین مسئله بویژه در تربیت و پرورش جوانان و رویدادهای فرهنگی توجه زیادی بشود و حال آنکه متأسفانه عرض کنیم با اینکه فراگیری تاریخ و جغرافیا و بنیادهای فرهنگی جامعه خودش در افکار جوان بسیار مؤثر است و این دروس که عرض کردم باضافه درس دیگر دارای یک نمره است این یک نوع بی‌حرمتی است بوحده ما و اگر جوانان ما واقعاً اطلاعاتشان در زمینه‌های فرهنگی و تاریخ و جغرافیای مملکت کم است بلحاظ اینستکه آموزش و پرورش باین دروس توجه نمی‌کند مسائل دیگر مثل شیمی یا فیزیک و ریاضیات را بحث نمی‌کنم چون شاید آنجا ضریب داشته باشد ولی سه درس است که یک نمره دارد که این مسئله است که بارها روی آن بحث شده و نتیجه‌ای گرفته نشده است دو سال قبل مسائلی بود برای جوانان و سؤالاتی در تلویزیون عنوان میکردند از نظیر تاریخی و پاسخ‌ها بقدری در سطح پایین بود که برای هر بیننده قابل تعجب بود - البته روی تذکرانی این برنامه تلویزیون حذف گردید و بنده لازم دیدم که

نخواهد داد خوشبختانه با امریه امید آفرین شاهنشاه دایر بانتصاب والا حضرت شهنواز فرزند گرانقدر و شایسته ایرانزمین بسمت بازرسی عمران استان‌های مازندران و گیلان باردیگر این آرزو در دلها زنده شده است که مسئله دانشگاه گیلان هم که خود سهمی عظیم و بدون تردید در عمران، پیشرفت و بهسازی خطه گیلان دارد توجهی درخور معمول گردد مشکلات بدست با کفایت معظم لها برطرف گردد از نظر یادآوری پیشنهاد تأسیس دانشگاه گیلان متجاوز از ۱۴ سال است که از سوی اهالی شاهدوست و فرهنگ پرور گیلان با اولیاء امور داده شده، حتی سالها قبل جناب آقای مهندس ریاضی ریاست مجلس شورای ملی کلنگ ساختمان این دانشگاه را نیز در رشت بزمین زدند ولی مسئله هم چنان بفراموشی سپرده شد تا در سال گذشته فرمان زندگی ساز شاهنشاه آریامهر مبنی بر ایجاد دانشگاه در گیلان صادر شد و گیلانها آنرا بر دیده منت گذاردند. گیلان که از نظر تولید محصول با همه وسعت کمی که دارد بزرگترین خدمات را بکشور میدهد و بویژه از نظر دانش آموختگان و ارائه خدمات آموزشی در کشور در عالیترین حد قرار دارد متأسفانه خود از امکانات آموزشی در حد پایین برخوردار است.

محصلین گیلانی برای آموزش در همه نقاط کشور پراکنده و با مشکلات غدهیده همراه هستند، ملاحظه فرمایید چه افتخاری از این بالاتر که در حال حاضر بالاترین مراجع آموزشی کشور را شمالی‌ها اداره می‌کنند، وزیر علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه تهران گیلانی هستند و وزیر آموزش و پرورش هم از خطه مازندران است.

از تعداد معلمین - دبیران میرز و اساتید دانشگاه گیلانی نام نمی‌برم و از کیفیت عالی و صلاحیت علمی بالای آنها صحبت نمی‌کنم.

با همه این احوال با اینکه در شرایط فعلی هم چنان بودجه دانشگاه گیلان در پایین‌ترین حد خود قرار گرفته، گیلان و گیلانی به الطاف و مراحم ویژه رهبر کبیر و خلاق ایران بیش از هر وقت دیگر امیدوار و چشم‌براه است و اطمینان دارد همانطور که شاهنشاه بگانه و پایگاه نهائی ترین امید و آرزوی ملت ایران بوده و می‌باشد دانشگاه گیلان بهمان نحو که شاهنشاه آرزو دارند در زمره عالیترین و شکوه‌مندترین دانشگاههای کشور خواهد شد.

همین دوروز قبل نمایندگان گیلان بحضور سرکار بانو فریده دبیا رسیده و تقاضای خود را در زمینه دانشگاه

گیلان با مادر ارجمند و خیر خواه علیاحضرت شهبانو و همشهری افتخار آفرین گیلان مطرح ساخته و این اطمینان وجود دارد که شهبانوی گرامی و محبوب ایران و هم چنین سرکار علییه بانو فریده دبیا نیز مراحم ویژه خود را تطیب هم‌شهریان خواهند فرمود.

در اینجا برخود لازم میدانم که از زحمات سناتور محبوب نيمسار صفاری، نمایندگان گیلان در دوره گذشته مجلس شورای ملی بویژه دکتر صمد زاده که در تأسیس دانشگاه گیلان کوششی قابل تقدیر با انجام رسانیده‌اند سپاسگزاری و نام برده شود.

در مورد کارمندان اعم از کارمندان بازنشسته و یا شاغل و اعتباراتی که در بودجه برای تأمین رفاه این گروه زحمتکش و کوشنده منظور شده است جای بحث فراوان است.

در ابتدای امر باید باین مسئله حیاتی توجه داشت که نیاز هر فرد اعم از پیر و یا جوان زن یا مرد، درد و محدوده خلاصه میشود نیازهای استحقاقی و ایمنی و نیازهای معنوی و روحی.

در مورد نیازهای استحقاقی که مربوط به اضافه حقوق تأمین مسکن بیمه و سایر وسایل و امکانات رفاهی میباشد تا آنجا که مسرور بوده دولت در ارقام بودجه مواردی را عنوان کرده است که در حال جای سپاسگزاری است ولی آنچه لازم است درباره مسئله دوم گفته شود وجود تنگناهای معمولی فراوان است که رفع هر یک از آنها موجب دلگرمی کارمندان شریف مملکت را فراهم می‌سازد زیرا این حقیقت در جهان امروز با ثبات رسیده است که تنها پرداختن به نیازهای مادی جوابگوی خواستههای کارمندان و یا فر گروه شاغل و زحمتکش دیگر کشور نیست و موازات این نیازها و بلکه مهمتر از آن باید به جنبه‌ها و نیازهای روانی و معنوی توجه داشت و این امر بویژه برای افراد آموزشی اعم از آموزگاران - دبیران - استادان دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد زیرا این افراد شرافتمند در حداقل شرایط مادی بکار طاقت فرسا اشتغال داشته و بان دلخوشی داشته و در غیر اینصورت نمیتوانست بدنهای کارهای پوساز برود اگر تأمین نیازهای مادی و استحقاقی افراد احتیاج به تأمین اعتبار اصلاح بودجه مسم بودجه و غیره دارد که ممکنست اجرای همه آنها با مشکلات همراه باشد بطوریکه در سال جاری نیز خبری از مسم بودجه در میان نبوده است ولی تأمین نیازهای روانی احتیاج به هیچگونه بول اضافی و یا عنوان داشتن زحمی از آن در بودجه کمال کشور ندارد. زیرا برای این منظور کافی است تبعیض در کارهای اداری از بین برود، به کارمندان شریف احترام و عزتی که

در خور شأن و اعتبارشان می باشد گذارده بشود، در انتخاب مدیران دولت بیشتری بعمل بیاید و مهم اینکه حرمت کار و کاربند ملاحظه گردد و بعبارت دیگر همانطوریکه شاهنشاه دور اندیش و آگاه ما در بیانات حکیمانه و هشداردهنده روز هشتم بهمن فرموده اند فساد در امور اداری و عمرجمعی دیگر ریشه کن شود (صحیح است).

زیرا فساد اضافه بر آنکه موجبات بهره رفتن نیرو و استعدادها شده و بی تفاوتی و ولنگاری را در اجتماع گسترش میدهد، خود موجب پیدایش بی وجدانی، سهل انگاری و دشمنکاری در جامعه میشود و از همه مهمتر موجبات نزلزل از کان اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم میسازد.

مسئله تمرکز بخشیدن بکارهای اداری و اجرایی و یک کاسه کردن کارهای مشترک خود را می است که در سامان رسانیدن بازسازیهای اداری نقش اساسی دارد. هنوز در بسیاری موارد دیده میشود که بر اجرای کاری کوچک ادارات متعددی در وزارتخانه های مختلف دست اندر کار هستند تمرکز دادن باینگونه کارها اضافه بر اینکه از چند باره کاری جلوگیری مینماید از صرف بودجه در موارد غیر ضروری نیز جلوگیری می کند بویژه رعایت این امر در سال آینده که در بودجه کشور تکیه بسیار بر صرفه جویی و جلوگیری از هزینه های زاید شده است بسیار لازم و ضروری بنظر میرسد.

من سازمانهایی را می شناسم که برای هر ۳ الی ۴ کارمند یک مدیر کل ساخته و پرداخته شده است البته بدستی نمیدانم که بسنت مدیر کلی روی اهمیت تبلیغی نتوان میشود و یا آنکه ارتباط به تعداد کارمندان و گسترش و دامنه کار و وظایف سازمان مربوط دارد ولی این حقیقت مسلم است که شأن مدیر کل آنقدر بالاست که حدود اختیارات آن از ۳ الی ۴ اطاق و ۵ الی ۶ کارمند بیشتر باشد. خوشبختانه می بینیم که اولین دستگاهی که باین امر توجه داشته دانشگاه تهران بود که قرار است چند پست مدیر کلی را ادغام کند و انقلاب اداری را در آن قسمت بر مرحله اجرا درآورد، و امیدواریم این رویه در همه جا تعمیم یابد بعلاوه چه ضرورتی در میان است که جرسازمانی هر چند وقت یکبار تصمیماتی بگیرد و برای تصویب تشکیلات جدید که تنها تجدید آن تورم و افزایش کارمندان صرف هزینه نابجا می باشد دست یکار بشود و بدقیال این اقدام سازمان دیگر هم همسان پیروی از من و چشم و عم چشمی همین رویه را دنبال نماید؟ این درست است که حجم کارها طی چند ساله اخیر افزایش یافته ولی این افزایش هیچگاه متناسب با تعداد

پستها و مقامهایی که وجود آمده نیست و مهمترین دلیل آنهم کم کاری و مطابقت نبودن میزان کار حتی در حداقل استاندارد لازم می باشد. و بالاخره نتیجه همه این نارسائیهای اداری آن چنان خواهد شد که تنها در یک مورد آشکار شود در یک سازمان ۳۸ حکم مدیر کلی بدون مجوز وجهت صادر شد و اصولاً احتیاجی به چنین پستها و افرادی هم نبوده است. مسئله دیگر اینکه میدانم با یک تصمیم گیری سریع میتوان طبق تصویب نامه هیأت وزیران مورخ ۱/۴/۴۰ فوق العاده شغل در مورد رشته های فنی، مهندسی و کشاورزی و بهداشت و درمانی را که در بسیاری از وزارتخانه ها اجرا میشود بدون تبعیض در همه سازمانها بر مرحله عمل درآورد و بسادگی میتوان مرحله دوم قانون استخدام کشوری را برای بعضی از کارمندان که هنوز بر مرحله شغل پست پیاده کرد و هم چنین بازنشستگان لیسانس آموزش و پرورش را که حکم مرحله اول خود را دریافت نموده و قبل از صدور حکم مرحله دوم باسی سال سابقه خدمت بازنشسته شده اند با تعمیم تبصره ۲ اصلاحی ماده ۱۴۴ از مزایای قانونی بهره مند ساخت.

باید کوشش شود احل مسلم پرداخت حقوق مساوی درقبال کارسای رعایت گردد (صحیح است) بویژه این حقیقت مورد توجه قرار گیرد که مزایای تبلیغی که در سال ۴۰ تها به وزراء معاونین مدیران کل و معاونین مدیران کل، پزشکان و رشته های فنی پرداخت میشود بهمه کارمندان شریف و زحمتکش مملکت تعاقب گیرد (صحیح است).

زیرا اگر عدم پرداخت این مزایا بکارمندان مشمول صرفه جویی شده است رعایت این امر برای وزارتخانه ها و ادارات که از همه گونه مزایا برخوردارند باید بیشتر در نظر گرفته شود مضافاً باینکه اجولاً کار و تلاش امور اداری اکثراً بدوش همین طبقه زحمتکش قرارداد بحث بر سر اینست که بد بر آوردن نیازهای روانی و معنوی کارمندان نیز میتوان تا حدودی رضایات آنها را جلب کرد، از جمله چرا نباید برای بازنشسته کردن کارمندان خدمتگزار در دستگاههای دولتی که جوانی و نیروی خود را در خدمت بکشور از دست داده اند مراسمی درخور آنان برگزار شود و حرمت بازنشستگان بنحویست که ای حفظ نگردد.

ایجاد کانون بازنشستگان کشوری نباید تنها به تهران محدود گردد، هراستان و هر شهری احتیاج به چنین مراکزی دارد اگر کانون بازنشستگان کشوری برای تأسیس و ایجاد شعبه در شهرستانها مسؤلیت دارد لازم است در این

زمینه راه حلهای اساسی را بیندیشد و در زمینی که در بر ندارد باید راههای دیگری را در این زمینه برگزید.

در زمینه کمک جنسی بکارمندان پیشنهادی بنظم رسیده است طبق آماریکه منتشر شده کمکهای جنسی بکارمندان سالیانه از ۷۵۰ میلیون تومان تجاوز نمی کند که مبلغ آن برای هر کارمند ماهیانه حدود ۲۰۰ ریال است (حدیق اسفندیاری - ۲۰۰ ریال بسیار کم است) مبلغ مزبور برای کارمند آنقدر ناچیز است که دریافت و باعدم دریافت آن چندان تأثیری در زندگی شان نمی کند ولی اگر همین مبلغ را سرمایه اولیه بانکی بنام بانک رفاه کارمندان دولت بنمایند و این سرمایه به نسبت بدفعی که بکارمندان کمک جنسی میرسد در زمره سهام او درآید و این مسئله همه ساله تکرار گردد، هم بانکی باین سرمایه ای عظیم منظور پرداخت وام و امور رفاهی کارمندان تأسیس خواهد شد و هم کارمند خود در زمره سهامداران بانک درآمد و از سرمایه و بهره سالیانه آن برخوردار خواهد شد.

متأسفانه در حال حاضر شاید تشکیلاتی بمین نام با سرمایه ای حدود ۲۰۰ میلیون تومان وجود داشته باشد ولی معلوم نیست سرنوشت این هزینه یا هر چیز دیگر بکجا انجامیده و تاکنون چه گرهی از مشکلات کارمندان باز کرده است.

بدیهی است برای افزایش سرمایه بانک مزبور میتوان از کمکهای نقدی و حمایتی دولت نیز بهره گرفت و باین ترتیب در تقویت بنیه مالی بانک اقدامات لازم و مؤثری بعمل آورد.

در بایان کلام باید باین نکته هم اشاره کرد که از نکات برجسته بودجه سال ۴۰ یکی هم اینست که در سال آینده سهم درآمدهای غیره نفتی در بودجه عمومی نسبت بسال ۴۰ افزایش نسبی یافته است، بطوریکه در بودجه تقدیمی تأحدی از تکیه بر درآمد نفت کاسته شده است. آمار چنین نشان میدهد که در سال ۴۰ سهم درآمد نفت و گاز در بودجه عمومی ۱/۴۸۰/۸ میلیارد ریال و سهم درآمد غیر نفتی ۲۹۴/۹ میلیارد ریال بوده است در صورتیکه ارقام بودجه در سال ۴۰ بشرح زیر تدوین گردیده سهم درآمد گاز و نفت در بودجه عمومی ۱/۴۰۹/۰ میلیارد ریال و سهم درآمدهای غیر نفتی ۳۱۳/۰ میلیارد ریال بدیهی است اشاره باین نکته بدان منظور نیست که از درآمد نفت تا حد امکان استفاده نشود و در بالا بردن درآمد حقه ایران کوششی بعمل نیاید، بلکه هراقدامی در این زمینه انجام شود گامی است در راه پیشرفت و

توسعه اقتصادی و رفاه بیشتر ولی بهمه این آرزو و امیدواری این حقیقت هم باید در نظر گرفته شود که هر اندازه بدرآمدهای غیر نفتی در ترکیب بودجه مملکتی اضافه شود توفیق دیگری است که نصیب ملت و دولت ایران گردیده و حکایت از دوراندیشی و نیک نظری مینماید.

در مورد ۱۳۵ میلیارد ریال کسر بودجه که در سال جاری شاهد آن هستیم از جمله راه حلهای جبران این کسری که چندی قبل طی مصاحبه ای اعلام شد یکی هم این بود که چون تعدادی از طرحهای منظور شده در بودجه سال ۴۰ بخودی خود تا پایان سال آینده بر مرحله اجرا در نخواهد آمد لذا همین امر موجب می گردد تا تعدادی از کسری بودجه برطرف شود! تعجب در اینست که اگر این اطمینان وجود دارد که همه این اعتبارات در راه خود بخرج نرود چه اصراری است که ارقام آن در بودجه منظور شود، زیرا در چنین صورتی بخاطر مهم بودن مسئله ممکنست دوچال پیش بیاید یا اینکه هر استان و یا منطقه ای از نیمه اینکه مبادا یکی از اعتبارات منظور شده اش حذف گردد سعی در انجام آن کار کرده و چه بسا که در این میان کیفیت فدای کمیّت شود و یا اینکه اولیاء و معجران امور برای تأمین صرفه جویی هر طرحی را که صلاح میدانند بذلال گوناگون اجرا پس را تاخیر بیندازند تا بپایان سال نزدیک شویم در هر حال باین گیری و علامندی، که در انجام کارها و طرحهای منطقه ای وجود دارد تصور میکنم امکان صرفه جویی از این طریق غیره ندارد و اگر اعتبارات حقوق در اختیار معجران استان گذارده شود راههای خرج صحیح و منطقی آن نیز مهیا باشد مضافاً اینکه اصولاً در تنظیم بودجه آنچه که ارقام و اعدادش تعدیل شده بنظر میرسد باین هزینه هاست بطوریکه پیش بینی درآمد مملکت چه بسا با آنچه که بر روی کاغذ آمده چندان مطابقت نداشته باشد.

مسئله دیگر که در ارقام بودجه جلب نظرمی کند، بودجه شرکت های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته بدولت است که درآمدهای آن در سال ۴۰ با هزینه های مربوط نه تنها جنبه های انتفاعی را نشان نمیدهد بلکه مؤسسات غیر انتفاعی نیز بحساب می آید تازه همانطوریکه در بودجه آمده مبلغ عظیم هزینه این مؤسسات نسبت به بودجه کل که شامل همه درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم است آنقدر بالاست که متجاوز از ۸۰ درصد آنرا بخود اختصاص میدهد.

این نسبت از سونی و هم چنین صرف هزینه بسیار برای تولید درآمدی نامتعادل در این سازمانها مرا بیاد

داستانی انداخت که در پایان کلام بدینست بان اشاره شود .
 در بارگاه کریم خان زند عقاب فوی جنبه و عظیم نگهداری می شد روزی خان از حال و احوال عقاب پرسید باستحضار رسید که چنین است و چنان و از جمله روزی یک فوج باید برای تغذیه اش بمصرف برسد ، بلافاصله دستور داد از خوبیهایش در گذشتم رهائیس کشید تا خود روزی اش را در آورد و کاری بکار ما نداشته باشد . عرض دیگری ندارم (احسنت - احسنت) .

**رئیس - آقای قائمی بفرمائید .
 عنایت الله قائمی -**

بنام آنکه عالم نام از او یافت فلک جنبش زمین آرام از او یافت
 مقام محترم ریاست ، همکاران محترم ، بنده فصدم اینستکه بودجه سال ۱۳۰۵ را نقد کنیم نقد از نظر اصولی دلالت بر ارزش موضوع مورد نقد دارد و دولتی این امکان هست که جنبه ارشادی داشته و در زمینه سازندگی و رفع نواقص مفید فایده باشد و شخص جناب نخست وزیر بسبب اینکه اجل مطالعه اند و کتاب خوان و کتاب شناس اند ارزش نقد را خوبی میدانند و فیصلاً استحضار دارند که کسبی که این ایام بخصوص در کشورهای اروپایی مورد نقد واقع نشود بی ارزش تلقی میشود و از نظر کتابخوان بازار چندانی نخواهد داشت بهر تقدیر غرض اینستکه حمل بر مخالفت باصلاح معمول پارلمانی نشود و اگر کلام آهنگ تند داشته باشد باز حکایت از عدم علاقمندی به بهتر شدن رژیمه برنامهریزی و بودجه بندی دارد . بنده فصدم ندارم که وارد ارقام در فصول مختلف بودجه شوم بلکه از جهات کلی آنچه را که ضرور میدانم عرض خواهم کرد . (احسنت)

آینده نگری و هماهنگی . فرمایشات علیحضرت همایونی رهبر مملکت سرمستی است برای دولت و برای همه مردم و کاربرد صحیح رهبریهای دایمانه ایشان سازنده تاریخ این سرزمین کهنسال است . ایشان بارها فرموده اند «ما باید همیشه پیش از حادثه حرکت کنیم» یعنی باید آینده نگری داشته باشیم و در طراحی های زندگی ملی و اجتماعی خودمان دور بین باشیم . معجزان در مقام اجراء و برنامه ریزی در زمینه های مختلف نتوانسته اند آنچه آن آینده نگری که اقتضاء داشته و ضرورت دارد داشته باشند . بدلیل اینکه هماهنگی نداشته اند زیرا تحفه آینده نگری در طرح و اجراء برنامه های مملکتی بدون وجود هماهنگی کامل بین تمام سازمانهای اجرایی ممکن نبوده و اینکه مجال است اما نمونه هایی از عدم هماهنگی پیش از آنکه قدرت کشش وجد بنادر محاسبه شده باشند ، قبل از آنکه سیستم حمل و نقل را بررسی کرده و تجهیزات کافی فراهم

شده باشد ، قبل از آنکه سیستم توزیع مورد مذاقه قرار گرفته باشد . قراردادهای بسته میشود کالاها وارد بندرها میشوند ثروت ملی مملکت مورد تضییع واقع میشود و سورشاز میگردیم !! یا مثلاً در سال ۱۳۴۹ سالی که فعالیتهای ساختمانی اوج میگردد . اخذات سدها ، کارخانه ها ، و جاده ها آغاز شده است . تسهیلات صدور سیمان مورد توجه واقع بشود . بالاخره ماده واحده بوجود بیاید و بازار سیمان هیولای وحشتناک خود را ظاهر میسازد . و با عدم توجه کامل بدائر کردن کارخانجات در نقاط مختلف مملکت یا محاسبات کافی از جهت موقعیت اقلیمی استعداد تولید خوراک کارخانه ها و ذوق و علاقمندی مردم محل از نظر عرضه نیروی انسانی است چنانچه در نقاط کارخانه قند ایجاد شد که مردم آماده کشت چغندر نبودند و آنها را تحت فشارهای متخلف گذاشتند که مثلاً کشت برنج را تعطیل و بجای آن چغندر کشت کنند .

و یا نحوه تغذیه رایگان دانش آموزان ، که میبایست اجرای فرمان بزرگوارانه و بدرانه شاهنشاه بزرگ به کیفیت باشد که صرف بودجه مملکت تأثیر و نتیجه مثبت و کامل را بدست دهد نه اینکه یکروز در نقطه ای بموجب آنچه در جراید منعکس شد چندین تن پسته تغذیه رایگان را از انبار بازگاتی محکوم نیروی کشند و یک دفعه مسئولین شهر و روستای شهری از شهرهای مملکت بجهت تدریس در مواد تغذیه دانش آموزان تحت تعقیب قرار گیرند بدون تردید اگر پیش بینی های لازم میشد و واحد های گسترده تولیدی در نقاط مختلف مملکت ایجاد میگشت مواد مورد لزوم را برای تغذیه رایگان دانش آموزان تهیه و عرضه میکرد مواجه با اولنگاریها ، بی بنه و بارها و اسراف و متذیر هان میشدیم (صحیح است) . روزنامه های رستاخیز ۲۲/۱۱/۴۰ و اطلاعات ۲۱/۱۱/۴۰ دو مورد اخیر الذکر را منعکس ساخته اند آیا این نمونه هانشان دهنده عدم پیش بینی های لازم و عدم هماهنگی و نتیجتاً عدم آینده نگری نیست . آیا اینگونه عملیات اجرایی با ضابطه های یک جامعه انقلابی و متحول که در موضع انتقالی قرار دارد و میخواهد از موضع معرکه بودن به موضع تولید وسیع منتقل شود انطباق دارد ؟ مسلماً جواب این سؤال اگر منفی نباشد زندانم مثبت نیست . چون در جامعه انقلابی صرف دینار و دقیقه باید ملحوظ نظر باشد . گشاده دستی ، سعه صدر و بلند نظری در زمینه های یاد شده در قاموس جامعه انقلابی محکوم و مشروط است و برای جزئیات مسئولین اجرایی در پیشگاه رهبر انقلاب و مردم مملکت مسئول و میاخذند و باید آماده

باشند . سعه صدر در خدمت مستحسن است ولی در زمینه های یاد شده مذموم و اما بسبب بیست سال سابقه قضاوت و آشنائی بکار قضائی و علاقمندی نسبت بقوه قضائیه که افتخار عضویت آنرا داشته ام . و با تقوه دارم . سخن مختصر در این باب بعرض همکاران محترم میرسانم . علاوه بر آنکه بر تأثیر وجودی این قوه نیازی با فامه دلیل وینه ویران نسبت وتاریخ کهنسال جامعه متمدن ماحکایت دارد که مقام قضا در طول قرون همیشه از حرمت و شوکتی خاص برخوردار بوده در عصر بهلوی از اعتبار و حیثیتی بسزا بهره داشته بالاخص در زمان سلطنت بر خیر و برکت رهبر اندیشمند علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهرارز عنایات وتوجهات خاص همایونی برخوردار بوده و هست و همه بخاطر دایم که شاهنشاه منجم ما از همان روزهای اول که بر اریکه سلطنت تکیه زدند و مکان کشتی حیات ملک را برهنه اسواج خروشان و طوفانی سیاست بین المللی بکف با کفایت خویش گرفتند ندای معدلت پروری دادند و فرمودند که قبل از هر مطلبی خواهان استقرار عدالت اجتماعی بنحو کامل و شایسته و مطلوب هستند و در عمل هم دیدیم که این اندیشه عالی و این فکر معنایی را به مرحله فعل و عمل در آوردند (صحیح است) و بی شک همه صاحب نظران در زمینه های اجتماعی ، همه جامعه شناسان متفق القولند که جامعه صاحب رشد و صاحب تمدن باید از یک نظام قضائی با حرمت شایسته و شکوه بسیار بهره مند باشد و بخصوص در دوران انقلاب پیروزمند شاه و ملت که جامعه ما صاحب صنایع سنگین شده و بسرعت آهنگ صنعتی شدن دارد و این تحول موجب استقرار ضوابط و روابط خاص حقوقی شده و از طرفی بفرمان رهبر بزرگ و بیدار دل همین ماهرگونه نظم غیر عادلانه و هرگونه ناهماهنگی با خمیرمایه انقلاب بخصوص در دوران رستاخیز ملت ایران باید از بیخ و بن ریشه کن گردد . و مسائلی از قبیل مبارزه بی امان با کراترونی و انواع تقلبات و تجاوزاتی که ممکن است در عرصه معاملات و دادوستدها بروز و ظهور کند مطرح است و دولت مسئول بررسی است که لایحه های مترقی و عادلانه در خصوص مشخص کردن روابط مالک و مستأجر تهیه و بمجلس تقدیم دارد و بشدت وقاطعیت هر چه بیشتر بیکار عظیم مبارزه با فساد باید ادامه یافته و گسترش یابد ما پیش از هر وقت دیگری نیازمند یک دادگستری قوی ، قاطع و مجهز و گشوده هستیم (صحیح است) و متأسفانه بودجه ای که برای دادگستری در سال ۱۳۰۵ پیش بینی شده تأمین کننده آنچه بر شمردیم نسبت چنانچه دیدیم در کمیسیون بودجه

هم اتفاق نظر بود که بودجه دادگستری بودجه ای کافی و متناسب نیست و نمیدانم با اعتقادی که ضمن بحث و گفتگو داشتند بطور بودجه دادگستری بصورتیکه تقدیم شده بود تصویب شد و جرادولت آمادگی خود را برای ترمیم آن اعلام نداشت در حال حاضر سازمان دادگستری آن وسعت و تجهیزاتی که میبایست به نسبت گسترش فعالیت های اقتصادی ، صنعتی و اجتماعی داشته باشد ندارد . اکثر ارباب بخش های مملکت فاقد دادگاه بخش است و واحدهای موجود هم بعلت فشرده گی و نداشتن تجهیزات و لوازم کافی و بخصوص از نظر ساختمان و محل کار در عسرند و نکته ای دیگر که بسیار اهمیت دارد و باید بان توجه کافی شود اینستکه قضاوت در صدد اشتغال به مشاغل دیگر و مضر بازنشسته شدن هستند و میدانیم کسانی که حتی بیست سال سابقه کار قضائی داشتند و اکثر آنه از نظر سنی و نه از نظر مدت خدمت متناسب بازنشسته شدن نبودند با استفاده از فرصت قانونی که پیش آمده بود بازنشسته شدند و با توجه باینکه قاضی با گذشت مدتی در حدود بیست سال از کار قضاوتش صاحب تجربه ، تبحر و اجتهاد میشود (مهرزاد) . ۵ سال سنش است) هیچوجه بمصلحت قوه قضائیه نیست که چنین اعضایی را از دست بدهد بخصوص که کار تخصصی است و باسانی و در مدت کوتاه تأمین جانشین برای آنها ممکن نیست و باعتباری مجال است چون بفرض اینکه با پیدا شدن اعضاء جدید بشود از جهت کمی جبران کرد از جهت کیفی جبران نمیشود (صحیح است) و باید علت واقعی و علت عدم خوشدلی قضات معلوم شود و نسبت برقع آن عاجلاً اقدام شود و همانطور که در ابتدای گفتار و سخنم در این باب عرض کردم موضوع با میزان و سطح بودجه وزارت دادگستری ارتباط مستقیم دارد (مظهری) - در مورد همه کارمندان مصادق دارد فقط قضات نیستند) کارمندان هم ممکن است ولی قضات باقتضاء مقام خاصی که دارند باید از حرمت کافی و تأمین مالی برخوردار باشند . که در حال حاضر آنچنان که باید نیستند کشاورزی - سخن در باب کار کشاورزی و باصلاح سیاست کشاورزی و دامداری دولت بسیار است اما بنده فصدم ندارم که بتفصیل وارد این بحث بشوم سیاست کشاورزی باید مبتنی بر این باشد که هر چه ممکن است سطح کشت و ازدیاد دام در مملکت بیشتر شود و بازده بیشتر داشته باشد تا هم تغذیه انسانی مردم مملکت تأمین باشد و هم از مملکت صرف مواد مصرفی روزانه نشود حال به بنیم چنین شده است . خیره چون هم گندم و برنج و هم گوشت و گوشتی از خارج خریدلری و وارد کرده ایم پس در اساس قضیه توفیق نداشته ایم علل و جهات عدم توفیق چه بوده است :

۱ - عدم وجود سیاست ارشادی کامل و همه جانبه در باب نوع و میزان کشت .
 ۲ - عدم وجود تثبیت کامل یا لافاقل نسبی قیمت تولیدات و فرآورده های کشاورزی .
 ۳ - عدم وجود تنظیم بیمه های نسبت به تولیدات کشاورزی و قلاحتی .
 ۴ - نوعی معارضه و ستیز با روش وسبک کشاورزی معمول و متداول که این ایام کشاورزی سنتی نامیده میشود .
 ۵ - عدم هماهنگی سیاست کشاورزی دولت در زمینه اقداماتی که با کار کشاورزی ارتباط مستقیم یا لافاقل جنبی داشته مثل بعضی از فعالیت های سازمان منابع طبیعی یا سازمانهای مربوط دیگر .
 در مورد مسئله دام ، نیز فرازینجه که برشمردیم ، صادق است مثل ارتباط تشکیل مجتمع های بزرگ گوشت و معارضه های مرئی و نامرئی با دامداری سنتی .
 تردید نیست که جامعه انقلابی و متحول ما که حرکت سربمی را برای رشد صنعتی و گسترش آن آغاز کرده است ، باید نسبت به گسترش صنعت در تمام شئون از جمله کشاورزی فعالانه قدم بردارد اما این حرکت نباید به کیفیتی باشد که سطح تولیدات کشاورزی و دامی را تنزل دهد و ناچار برورد از خارج شود یا بمعنی که نباید موجبات سقوط منابع تولید کشاورزی و دامی را عمداً فراهم کند چون جبر صنعتی تا آنجا که انقضاء داشته باشد طبیعتاً کار خود را میکند و کشاورزی صنعتی و همچنین دامداری زیر سقف جایگزین کشاورزی سنتی و دامداری کوچکی میشود و تفاوت آهنک طبیعی و غیر طبیعی آنستکه در صورت فشار و الزام قبل از آنکه کشاورزی صنعتی نضج بگیرد منابع تولید بشکل معمول از حیز انتفاع می افتند و قبل از آنکه دامداری زیر سقف بشکل مجتمع های بزرگ بازدهی متناسب را پیدا کند ، چه ضرورت دارد که از دامداری برسم سالیان سال پیش گیری کنیم و آیا بهتر نیست با ارشاد دامپروان در حفظ مراتع و بلکه در توسعه آنها باید با افشائی علوفه در مقام تقویت دامپروان علاقتمند و نتیجتاً از زیاد تولیدات باشیم . و در جنب این اقدامات فرصت دهیم تا رشد صنعتی در زمینه کشاورزی و دامپروری رونق یابد و وسعت پیدا کند بنظر بنده بهتر این طریقه است البته با ارشاد و یاری و مدد سازمانهای مسئول و مربوط و شک نیست که در این دورانی که ما با رهبری داهیانة رهبر خردمند بجانب تمدن بزرگ پیش میرویم هیچکس معتقد به کشاورزی و دامداری

بر مبنای اقتصاد شبانی نبوده و نیست بلکه همگان مشتاقانه میخواهند که صنعت متری در تمام شئون زندگی منجلی باشد (صحیح است) اما هیچکس حق ندارد بگوید سیاست ما اینستکه روستاهای مملکت در محدوده شهرها حل شوند و روستائیان جذب شهرها بشوند ، مگر روستاها علف های هرزه اند که باین سادگی بروجود آنها خط نفی کشیده شود ؟ اعصار و قرون بحکم ضرورت و انقضاء آنها را بوجود آورده و باید باتمام قوا در حفظ و آبادانی آنها قیام و اقدام شود و همچنانکه جناب نخست وزیر در مصاحبه های تلویزیونی خود فرموده اند باید صنعت را بروستاها برد ، بنده میگویم نه آنکه روستائیان فدای صنعت شهرها شوند و رونق از کشاورزی ما بگیرند و تولیدات کشاورزی از بین برود و ما را نیازمند دیگران کند همانطور که جامعه انقلابی ما نباید نیازمند قدرتهای بزرگ صنعتی جهان باشد چه چنان نباید برای تأمین تغذیه نیازمند تولیدات کشاورزی آنها بشود و در اینجا که مسئله تغذیه مطرح است ضرورت دارد بدین نکته نیز توجه داشته باشیم که سوق جامعه بسوی تأمین لذت داشته و نوعی تن پروری و شکبارگی درست نیست بلکه خلاف آئین جامعه انقلابی ما است ، جامعه انقلابی باید پیوسته در تلاش و جنب و جوش سازنده باشد ، آنچه لازم است سرمایه و ارزملی برای خرید موز ، سیب ، برتقال و بقیل آقای وزیر تعاون آنا ناس از مملکت خارج نشود هر چه محصول داخلی از این نوع داشته باشیم نوش جان میکنیم و گرد آنچه نداریم نمیگردیم مگر روزگاری که کورس بگیرد دنیای آن روز را با شکوه و بزرگی توأم با جهان بینی انسانی اداره میکرد مردم موز و برتقال میخوردند و مگر پاسدار دلاور ایران که در جنگ جالهران زنجیر توپینای سپاه عثمانی را از هم میدرد و برای ایران فخر و سرفرازی میجست سیب و آنا ناس میخورد ؟ بعقیده بنده دولت باید بوظیفه ارشادی خود در این باره بشدت عمل کند و در این مقام تنک نظری را بکمال رساند و اعمال چنین روش و سیاستی علاوه بر بطریق صواب موجب خواهد شد که حاصل دسترنج باغبانان زحمتکش شمال و جنوب مملکت کم بهاء و بی ارزش جلوه نکند و بعلاوه پوسیده نشود و بدور نوزید . و هزاران هزار زحمت کشیده را دچار نومیدی و حرمان نکند .

آموزش و پرورش - از اینکه بودجه آموزش و پرورش رقمی درست را شامل است و صدر نشین جدول بودجه شده همه کس را خوشودی خاطر حاصل است و اما باید این رقم بزرگ آنچنان بازده داشته باشد که از نظر نتیجه هم

خوشدلی و رضایت کامل را بدنبال داشته باشد مثل قسمت فعال تعلیم فنی و حرفه ای ، ورنه امروزه از لحاظ کمی وجه از لحاظ کیفی حاصل کار آموزش و پرورش رضایتبخش نیست و شاید در این مورد اصطلاح تنگنا را جامعه انقلابی ایران نپذیرد . بعقیده بنده نتیجه کیفی آموزش و پرورش در درجه اول اهمیت است - هود جناب وزیر مسئول آموزش و پرورش گویا فرموده اند که اکثر دبیلنها چند کلمه انگلیسی نمیتوانند گفتگو کنند ، آیا این بیخبر اقرار مسئول آموزش و پرورش مملکت به ناچیزی جنبه کیفی آموزش نیست ؟ حتماً جواب مثبت است . پس باید روشن کنند که چه میخواهند بکنند . بنده را عقیده بر اینستکه معلمی کار همه کس نیست ، باید معلم بمعنای واقعی پرورش داده شود سبک کار چنان بوده که ارزش و اعتبار بالای این مقام روحانی رویا فوول رفته و احساس مسئولیت وجدانی بعضی گرانیه باید تا زیاد از مدار دور نشده ایم چاره جوئی کنیم . معلمان را مقام و حرمت واقعی دهیم و از آثار عظمت و شکوه این مقام بهره گیری کنیم (صحیح است) ، در خیلی از موارد میشود حرمت مقام معلم را بالا برد بدون اینکه نیازی به خرج داشته باشد . دولت باید مسئولین مقامات اجرایی مملکت را موظف کند که احترام شأن و مقام معلمی را در هر حال ملحوظ دارد و عدم رعایت احترامات شایسته نسبت به معلمان موجب مسئولیت و مؤاخذه شدید باشد . آئین نامه های مراسم خاص باید مورد تجدید نظر واقع شود و معلمان صدر نشین مجالس گردند . معلمان باید مورد اعتماد کامل باشند و مقامات اجرایی آموزش و پرورش نتوانند از حد نظارت بگذرند و بر آنها حکومت کنند . باید ترفیعات و مزایای آنها قبل از سایر حقوق بگیران دولت تأمین و اعلام پرداخت شود . اما در باب ارگانیزم و سبک کار ، آموزش و پرورش میخواهد بر نامه آموزشی را بهمان کیفیت که در تهران یا مراکز استانها اعمال و اجرا میکند در سطح روستاها و یا بخشها نیز اجرا کند هیچگاه نتیجه یکسان نخواهد بود معلمی که از روی اضطرار بروستاها می رود اولاً از نظر شایستگی علمی هم طراز معلمی که در مرکز مملکت یا مراکز استانها انجام وظیفه میکند نیست زیرا کسانی که احساس میشود از نظر مایه علمی قوی ترند در مراکز بزرگ نگهداشته میشوند یا خود میمانند و بعلاوه آنها که در ردیف های بعدی قرار دارند و باضطرار عازم روستاها و نقاط کوچک میشوند بعلمت عدم خوشدلی آنچنانکه باید و شاید بهره نمیدهند بنده را اعتقاد اینستکه وزارت آموزش و پرورش از فرزندان هر محل اعم از شهر و روستا یا بخش و شهرک

برای همان محل باید معلم تربیت کند و در خدمت هم رفاه و حرمت کافی داشته باشد تا با علاقه و اشتیاق و حتی مفاخره در زادگاه خود معلمی کند و بنده نمونه ای را ارائه میدهم که بدین سبک عمل شده و توفیق شگفت آوری را در مدتی قریب به بیست سال بدنبال داشته است . شما اگر گذارتان با آموزش و پرورش عشایری افتاده باشد توجه خواهید فرمود که بنده چه عرض میکنم ، این سازمان ابتدا در فارس آغاز فعالیت کرده است و در زمانی که زیاد طولانی نبوده اعجاب هر بیننده ای را برانگیخته و سپس شعاع عملیاتش گسترش یافته و باستانهای دیگر مثل ، کردستان ، آذربایجان و نقاط دیگر رسیده است راندمان کارش گواه شایستگی طریقتش بوده و نیازی بتوجه بیشتر ندارد (محمد پارسا - حقیقتاً خدمات و مساعی آقای بهمن بیگی مدیر کل آموزش عشایری در این مورد در خور تمجید است) البته چون حاصل کار و روش این سازمان بسیار ارزنده بوده است از عنایات خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی فرهنگ دوست و دانش پرور بیشتر بهره گرفته و یاری و مدد کاری بسیاری از حامیان دانش و دانش وری را جلب کرده است (صحیح است) که در رأس این باوران جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی بوده اند بهر تقدیر چون این نمونه والگو وجود دارد بنده پیشنهاد میکنم که این مسئله مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و چنانچه نتیجه مطالعات اجازه داد آموزش و پرورش بدو قسمت تقسیم شود یکی کارش آموزش و پرورش شهرها و دیگری مسئول آموزش و پرورش روستاها باشد - و هر کدام نیازهای خود را از معلم گرفته تا سایر نیازمندیها بتوجه باوضاع و احوال و شرایط محل تربیت و تهیه و تأمین نماید . و چون در فرهنگ عشایری به کیفیت معروض عمل شده معلم عاشقانه و با افتخار کار میکند و شاگرد مشتاقانه تعلیم را می پذیرد و نتیجه کار هم اعجاب انگیز و غرور آفرین است . (احسن) .
 اما در یک زمینه آموزشی که آموزش فنی و حرفه ای باشد از یک رشد و توسعه بالنسبه قابل توجهی برخوردار بوده ایم البته این زمینه نیز نیازمند توجه و امعان نظر بیشتری است . ایران باید با آهنگ سریع بجانب تمدن بزرگ پیش رود و لازمه تمدن بزرگ محتوای غنی یعنی نیروی انسانی شایسته است . درست است که در تمدن بزرگ ما از لحاظ بنا - سد - کارخانه - صنایع سبک و سنگین در اوج اعتلا قرار میگیریم اما گرداننده چرخهای صنعت و اقتصاد ما انسانها هستند بهمین دلیل

از همه اکنون اقتضای میکند که مسئله اولویت پرورش نیروی انسانی کارآمد درمد نظر باشد. آنچه بر مبنای آینده نگرانه در خصوص نیاز به نیروی انسانی در زمینه های مختلف حرفه های که خوب و خنثی است در سالهای اخیر در زمینه تعلیمات فنی و حرفه ای و آموزش روستایی تدریس و تالیفی رضایت بخش دیده شده ولی در زمینه آموزش عمومی رضایت بخشی دیده نمیشود. خنثیانه مصاحبه های مقامات علمی و دانشگاهی مؤید این مطلب است و در اینجا نظریات می گویند که تعلیمات فنی و حرفه ای شامل صنعت و خدمات و آموزش روستایی دارد. پیشنهاد میکنم که این تعلیمات در سازمانی مستقل وابسته بوزارتخانه مربوط وزیر نظریات را یا ستاده ای برای بر آوردن تهیه نیروی انسانی از سطح کارگری تا سطح مهندسی متمرکز و طرح اجرایی آنرا بریزد.

در آنچه تحت تعلیمات فنی و حرفه ای آنچه لازم بود عرض رسد و سازماندهی رسمی که در عده ای تعلیمات فنی و حرفه ای منظور گردیده، جوابگوی احتیاجات ملی ما نخواهد بود و ابعاد نظریات را با اقتضای ممکن توجه همکاران را با رفاه گویای بودجه معیوب میارم تا ملاحظه فرمایند آنچه عرض میسر است بر مبنای محاسبات دقیقی است که بعمل آمده است. تعداد دانشجویان مراکز فنی و حرفه ای تا چهار سال پیش فقط دو درصد بوده است. بدین معنی که از درصد تقریبی که وارد دوره متوسطه میشدند بود و هشت نفر بدین سازمانها میرفدند و فقط دو نفر به مدارس فنی و حرفه ای - حال آنکه امروز این رقم به ۳٪ افزایش یافته و بدین معنی شده است که نابالغان برنامه ششم به ۳٪ برسد تا گفته نماید که آموزش فنی و حرفه ای گویا در کشورهای صنعتی زندگی حدود ۱۰٪ تا ۲۰٪ درصد وارد اما با توجه بافتن سربعی که ما در توسعه اقتصاد و صنعت خویش باید داشته باشیم ضرورت دارد نسبت زندگی را به ۳۰٪ برسانیم و بدین معنی است پس از تأمین نیازمندی نیروی انسانی فنی نسبت موجود خود بوجود در حدود ۲۰٪ تعدیل خواهد شد و باز برای نشان دادن اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به تعلیمات فنی و حرفه ای به یک مناسبت با تعلیمات متوسطه میپردازیم.

مرسال حدود صد هزار نفر در تمامه از مدارس متوسطه ما بیرون میآید و دانشگاههای ما ظرفیتی کمتر از چهل هزار نفر دارد و در اینجا این سؤال پیش میآید که شصت هزار نفر از دیلمه های راه نایافته به دانشگاه چه وضعی پیدا میکنند؟ شکفت اینجاست که مرسال همین نسبت تعداد فارغ التحصیلان مدارس متوسطه افزایش مییابد و تعداد راه نایافته

ضعف شدید و احیاناً رکود کامل است. بدون راه - تحقق مسائل عمرانی، رفاهی و آموزشی امکان پذیر نیست. بدون راه - رونق اقتصادی و افزایش تولید و زندگی بهتر تصویری است محال - اما مسئله ای که اکنون بعنوان راه مطرح است راههای اصلی نیست، بلکه راههای فرعی و روستایی است کشاورز آزاد شده صاحب زمین شده ولی بدون راه مایوس و درمان زده است. تا سزاوارانه در گذشته ها قبل از آنکه راههای حیاتی فرعی و روستایی را در یابند میلیون ها میلیون تومان یا میلیارد ها ریال صرف احداث راههای با اصطلاح اصلی اما بی حقیقت فنی شده است. تا شهر نشینان بازار و تنعم بقدمتبرج از مسیری خره سرسبز بگذرند تا بدریا کنار برسند. که راه غراز بهترین نمونه است و هر سال می بینیم چه هزینه سنگینی برای نگهداری آن متحمل میشود و حال آنکه در تاریخ احداث استانهای شمالی و یا دریا کنار هم جاده جانوس را داشته و هم جاده قزوین و هم راه آهن و هم راه جوانی. درینجا دریغ در دوران رستاخیز که پیروزی انقلاب اجتماعی ما را فرماندهی رهبر خردمند هدایت آریانه اعلام میدارد باز توجهی که باید و نباید بر راههای فرعی و روستایی نمیشود. (صحیح است) ارتقاء بودجه گویای این مطلب است من - بودجه راههای فرعی و روستایی فارس را که دیده شدت دچار سنگینی شده و این بعنوان نمونه و مثال ذکر شد. سرمایه گذاری در راههای مورد بحث آنچنان بازدهی از نظر رونق اقتصادی دارد که اولویت آنرا میدهد اولویت اولویت ها نماید (احسنت). توجه جناب نخست وزیر محترم و هیئت دولت را نسبت باین مسئله بزرگ ملی جداً و نوباً معذوف میدارم. یقیناً استحضار دارند که ما جمعا چهارده هزار کیلومتر راه روستایی داریم که با راههای اصلی قابل قیاس نیست و تازه همین مقدار را قابل استفاده کامل نیست. روستاها و خدمات رفاهی - از کل جمعیت مملکت هفده میلیون شهری و بیست و شش میلیون روستایی و ده نشینند و میشود گفت که بیش از پنجاه درصد جمعیت کشور را روستائیان تشکیل میدهند. اما از خدمات رفاهی مثل - آب لوله کشی - برق - تلفن، اکثراً بی بهره اند یا بهره کافی ندارند و در هیچ نسبتی با شهر نشین ها از جهات یاد شده قابل قیاس نمیشوند باید هر چه زودتر اختصاص بودجه و اعتبار خدمات شهری و روستایی متعادل گردد تا در آستانه تمدن بزرگ شهری و روستایی هر دو از مزایای مدیریت بهره کافی داشته باشند. خانه خردی برای شهر نشینان در دوران انقلاب و شرایط رستاخیزی شایسته بودجه بندی و تنظیم اعتبارات نیست و ازدوات

مجری طرح های انقلاب جداً خواستار میشوم که بعمران و نوسازی، دهات و رفاة روستائیان بیش از گذشته عمت گمارند.

اما آنچه درخور ستایش و تقدیر است: ۱- توجه کامل و همه جانبه بعظمت و شکوه هر چه بیشتر درونهای مسلح شاعنشاهی که پاسدار استقلال و امنیت مملکت اند و توفیقات عدیده دیگر همه و همه در گرو وجود این قدرت بزرگ دفاعی است که مردم ایران آنرا بمثابه مردمک چشم عزیز میدارند و از هر جانفشانی برای اعتلاء روز انزول آن مضافه ندانند و نخواهند دانست و از آنچه شده است ستایش میکنند.

۲- توجه هر چه بیشتر از جهت تأمین اعتبارات لازم برای وزارت امور خارجه که تحت رهبری و هدایت داخانیه شاهنشاهی محبت و اعتبار و حرمت ملی را محفوظ داشته و میدارد خواست عموم نمایندگان ملت ایران است.

۳- سازمان رادیو، تلویزیون مملکت. بحث و نتیجه خطیر خوبی را در زمینه های مختلف بنحو امدن انجام داده است. از نظر ریاضی باخبر ملت ایران از جریان داخلی و خارجی. از جهت آشنایی بخندین سیاسی و آموزش فرهنگکی - علمی - تاریخی - ادبی - هنری و سیاسی - و از جهت رشد فکری جامعه - کارکنان، طریقت و راه و رسمش صواب و درستندیده بوده و سزاوار است که مورد ستایش قرار گیرد بخصوص اعتقاد من ایستکه نمایندگان دوران رستاخیز به نقش بسیار مؤثر و نافع سازمان رادیو تلویزیون در اعتلاء و اوج بخشیدن به رستاخیز ملت ایران احسان و عقیدت زایع دارند و سرمایه گذاری در زمینه رشد و گسترش هر چه بیشتر این سازمان را استقبال میکند چون نقش سازندگی آن در زمینه های مختلفی که جامعه را یکمان مطلوب میسازد بر همگان محرز و حتی ضرور آفرین است. در خاتمه عرضم در اینجا با شوکت رهبر عالیقدر که آزادی انتخابات دوره بیست و چهارم مجلس شورای ملی را تأمین فرمودند و در نتیجه انتخاب نمایندگان ملت ما را نصیب افتاد سزای عظیم فرود میآورم.

مراد ما حقیقت بود و گفتیم حواله با خدا کردیم و رفتیم (احسنت - احسنت)

نایب رئیس - آقای ناشمی میان دو آب تشریف بیاورید.

غلامرضا هاشمی میان دو آب

جوزا سحر نهاد حامیل برابرم

یعنی غلام شاعم و سوگند میخورم

(احسنت)

سانی بیا که ازمد بخت کار ساز
کامی که خواستم ز خدا شد میسر
(احسن است)

جناب آقای رئیس، جناب آقای نخست وزیر، همکاران عزیز و ارجمند شاهنشاه باینکه در طول دوران سلطنت خود با بزرگترین آزمایش تاریخ روبرو گردیده خوشبختانه نیروی اراده‌های رهبر کبیر کشور بر این مشکلات فائق آمده و راهی هموار پیش پای ملت خود گذاشته است. بطوریکه انقلاب در شرایطی تحقق یافت که قدرتهای بزرگ در سراسر جهان تبلیغ میکردند که کشورهای عقب مانده راهی برای نجات ندارند ولی با سخ قاطع ملت ایران در روز ششم بهمن سال ۱۳۰۱ به ندای رهبر بزرگ خود این ادعا را برای همیشه مردود ساخت مؤید عرایض بودجه انقلابی سال ۱۳۰۲ است (صحیح است) مؤید عرایض بودجه‌ای که از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی گردیده و برای العین ملاحظه میفرمائید.

خوشوقتم با استفاده از فرصتی که بدست آمده در ساحت مقدس مجلس شورای ملی بعنوان یکی از برگزیدگان ملت ایران در اولین پارلمان رستاخیز نکاتی را بنسب شما حضار عزیز برسانم.

ویژگی و اهمیتی که مجلس دوره بیست و چهارم دارد بر هیچکس پوشیده نیست.

زیرا کسانی که در این خانه گردهم آمده اند تماماً بارای اکثریت مردم و با تضمین آزادی انتخابات برگزیده شدند چون مردمی ترین مجلس شورای ملی در دوران آغاز رستاخیز تشکیل گردیده وظیفه‌ی نمایندگان مردم است که نکات و مواردی را که لازم است تا افکار عمومی جهانیان بار دیگر متوجه آن بشوند بازگو کنند.

از آغاز مشروطیت ایران که خونها در راه ابقاء آن ریخته شد تا حال مجلس شورای ملی بمانند این دوره که از یک تشکیل سیاسی و یکبارگی و همبستگی و وحدت برخوردار است. سابقه نداشته است که تمامی نمایندگان در راه تحقق برنامه‌های عمرانی و آبادانی و پیشرفت کشور لحظه‌ای از کوشش و تقلا غفلت کنند (صحیح است) ویژگی این دوره برخلاف ادوار گذشته‌ی مجلس در آنستکه قوه مجریه و قوه مقننه درجهت یکدیگر گام بر میدارند زیرا هر دو قوه برای هدف مشترک یعنی بشرف رسانیدن هرچه زودتر اهداف انقلاب شاه و مردم تلاش و کوشش میکنند. (صحیح است).

نمایندگان این دوره به احتیاجات حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود بخوبی واقف هستند و دولت هم با آگاهی با امکانات

اجرائی خود در صدد رفع احتیاجات حوزه‌های انتخابیه‌ی نمایندگان کوشش میکند. همبستگی درخشان دولت و ملت در زمان حاضر روح پاک ستارخانها و باقرخانها و تمامی آنها را که خون خود را برای امضاء و تثبیت سند مشروطیت ریختند و جان باختند شاد میکند.

همکاران عزیز میدانند که انقلاب شاه و ملت و همبستگی شاه با ملت نمایانگر جایگیری حق و ازین بردن باطل بود و ادعا نیست که انقلاب شاه و ملت را مکمل جهاد ثمربخش و شکوهمند انقلاب مشروطیت بدانیم.

رستاخیز و برپائی تشکیلات آن که در برگزیده‌ی تمامی افراد ایران است بار دیگر پیوستگی و همبستگی مردم را روشن تر نمود. (صحیح است)

رستاخیز در فرایند اجتماعی و سیاسی کشور شاهنشاهی یک پدیده استثنائی و یک ابتکار خلاق و شکوفا بود که از سرچشمه‌ی افکار مشعشع و متعالی رهبر انقلاب و فرمانده عالیقدر ایران شاهنشاه آریامهر بهره گرفت و شکل پیدا کرد و تداوم و پیشرفت آن با تشکیل کانونهای حزبی در روستاها - بخشها - و شرکت فعالان‌ی تمامی مردم برأی العین آشکار و نمایان است.

دولت موفق و انقلابی هویدا که در طول دوازده سال گذشته در ارائه‌ی بودجه‌های شکستنده و انقلابی گوی سبقت را بدست آورده است در عصر رستاخیز نیز با پیروی از تعالیم خردمندانه شاهنشاه و با دور اندیشی و آینده نگری وسیعی بودجه‌ی انقلابی و سترک و گسترده‌ی مجلس انقلابی ارائه نموده که از هر جهت بی نظیر و بی مانند است.

کجا هستند بعضی دولتهای قبل از انقلاب که با نکت و ادبار بودجه‌های پراکنده تحویل مجلس میدادند و کشور را ورشکسته قلمداد میکردند و وجهه و آبروی کشور را در انظار خارجی بیاد میدادند بیشک آن دولتها و آن دولتیان مقاصدی داشتند مقاصدی پلید و خائنانه.

واعمال و رفتار و کردار آنها از جاهانی سرچشمه میکرد که همه میدانیم و ذکرش نایب است. انقلاب شاه و ملت و پیدایش رستاخیز بجهانیان نشان داد که دوران خواب دو بیست ساله‌ی ایران پایان رسیده ایران برای رهائی از دو قرن خمودی و عقب ماندگی بمانندشهایی تیز رو چنان جاده‌های پر پیچ و خم مشکلات و موانع را در نور دید که بنا بر فرموده‌ی رهبر اندیشمند مملکت تا دوازده سال دیگر ایران به پیشرفت طلالی بزرگ خواهد رسید و در زیدیف چند کشور طراز اول قرار خواهد گرفت (انشاء الله).

تمامیت ارضی ایران همیشه عامل مهم و تکیه گاه استواری است برای رسیدن به پیشرفتهای هرچه وسیعتر و انجام برنامه‌های انقلابی که مردم را بسوی رفاه و آسایش هرچه بیشتر رهنمون میسازد. (صحیح است).

ویژگی دیگر بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ در آنست که از پاکی و پاکدامنی بهتر و بیشتری برخوردار است و جای هیچگونه شک و شبهه‌ای باقی نیست و بهنگامی که در مملکت بنا بر فرمان شاهنشاه مبارزه‌ی امانی علیه فساد و فاسد صورت گرفته آنهم فسادى که بقول آقای نخست وزیر بمانند خیلی چیزها وارداتی و تحمیلی است.

دولت باید با بسج کلیدی نیروهای انسانی خود در کادر قضائی و اداری کشور فساد را از ریشه قطع نماید و فاسدان را باشد مجازات محکوم و از مزایای انسانی محروم سازد زیرا در کشوری که رهبر کشور شاهنشاهی با تلاش و کوشش مستمر و شبانه روز از بیست و چهار ساعت هفده الی هیجده ساعت اندیشه بخرج میدهد و با مخالفان کشور در جبهه‌ی جهانی در قالب یک اندیشمند جهانی مبارزه میکند و حق ملت را میستاند این خیانت است. ناجوانمردی است که از پول این کشور عده‌ای بدزدند و حق ملت را پایمال کنند.

تذکر دیگری که از ملت بدولت خدمتگزار داده شود آنست که با توجه به جلوگیری از تمرکز که خود آقای نخست وزیر هم اخیراً اشاره کرده‌اند، بهتر است هرچه زودتر این کار عملی شود. پشت میز نشینی و فرماندهی از مرکز باید در این مملکت منسوخ شود کشوری که تا دهه‌ی آینده در صف کشورهای طراز اول بین المللی قرار خواهد گرفت. به تلاش و شتاب و جهش پیگیر و مستدام و بدون وقفه نیاز دارد. و پشت میز نشستن و دستور دادن و درجه‌ی کار و فعالیت قرار نگرفتن در نظام انقلابی امروز ایران مفهوم و معنای خاصی ندارد.

موضوع دیگر توجه بیشتر به نیازهای اصولی و منطقی مردم است.

با توجه باینکه بیشترین سهم اعتبارات عمرانی بودجه به راهسازی برای روستاها و بخشها و شهرها و کمکهای کشاورزی و ایجاد تصفیه خانه‌ها و آبپاشی شهرها و روستاها و بخشها تخصیص یافته معهداً بازم تنگناهایی موجود است که اینجانب با توجه به اولویتها، نیازمندیهای مردم حوزه‌ی انتخابیه‌ام را بطور الهم فالهم بسبب تنگیک جهت عطف توجه دولت تقدیم مقام ریاست می‌کنم.

در بررسی گذرا و چشم اندازی تند که به ارقام و اعداد بودجه سال ۱۳۰۲ میاندازم ملاحظه میشود که بودجه سال ۱۳۰۲ دارای هدفهای بزرگی است و در تمام محافل و مجالس داخلی و خارجی بحث انگیزترین موضوع مربوط به ارقام چشمگیر بودجه و برنامه‌های وسیع دولت در سال آینده میباشد.

ارقام و اعداد بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ و برنامه‌های دولت نشاندهنده‌ی این واقعیت است که هویدا و همکاران او در راه تهیه و تنظیم چنین بودجه‌ی کلانی از لحاظ بعد و گستردگی برنامه‌های عظیم با صرف روزها و شبها و اوقات بسیار بخوبی موفق گردیده‌اند.

و در پیشگاه رهبر خردمند کشور و مردم و جهانیان رو سفید شده‌اند.

خصیصه شخص جناب هویدا در آنست که با الهام از رهبریهای ارزنده‌ی شاهنشاه نکات و جزئیات بودجه‌ی مملکتی را با بصیرت هرچه بهتری که خاصه‌ی اوست شخصاً مورد تدقیق و بررسی قرار میدهد و آگاه بامور بودجه است.

بودجه سال ۱۳۰۲ از یک اقتصاد صحیح با دروازه‌های گسترده برخوردار است و توجه به آبادانی و عمران کشور و تربیت نیروی انسانی ماهر و ورزیده در بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ جایگاه مناسبی دارد.

ملاحظه میشود که اعتبارات عمده‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ بامور رفاهی تخصیص یافته و دولت در سال ۱۳۰۲ مبلغ ۳۹۷/۹ میلیارد ریال صرف امور رفاهی خواهد نمود.

ظرفیت آبرسانی در شهرها و بخشها و روستاها در بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ توسعه یافته و سرمایه‌گذاری در تربیت معلم امور دانشگاهی - شاهراهها - جاده‌ها و تأسیسات دیگر در بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ جای خاصی دارد.

سه برابر اعتبار بودجه‌ی سال جاری در بودجه‌ی سال ۱۳۰۲ برای توسعه‌ی شبکه‌ی برق رسانی در نظر گرفته شده و در سال آینده پنج هزار کیلومتر راه اصلی برای مردم روستاها و بخشها و شهرها ساخته میشود.

ظرفیت اعتباری صنایع در بودجه سال ۱۳۰۲ بدو برابر افزایش یافته و برای کاربایی و اشتغال نیروی انسانی بیکار ۵۷۰ میلیون ریال هزینه برآورد شده است.

تقویت بنیه‌ی دفاعی کشور که همیشه مورد نظر عالمانه‌ی شاهنشاه آریامهر است در بودجه‌ی سال آینده بعنوان یک ضرورت حیاتی مورد توجه قرار گرفته و این امر نشان دهنده‌ی آنست که دفاع از کشور و حفظ استقلال و

در پایان بازدیدگر تکرار میکنم بطور کلی بودجه سال ۵۰ با همه عظمت خود بودجه‌ای فراخور عصر طلائی و شکوهمند رستاخیز است. عصری که کشور ما تحت فرماندهی رهبر اندیشمند و فکور طرح عظیم رسیدن به تمدن بزرگ را گام بگام ولی با شنای عالمانه طی میکند و میخواهد که تا دهه آینده ایران را در صف چند قدرت بزرگ بین المللی قرار دهد. امیدوارم همه ما شاهد رسیدن به چنین روز فرخنده‌ای باشیم و تحت فرماندهی رهبر خود ترقیات بهتری را ملاحظه کنیم - متشکرم (احسنت).

یکی از حکامان عزیز یادداشتی فرستاده اند در مورد زیارت مردم از عتبات من از جناب نخست وزیر تقاضا دارم ترتیبی دهند ملت کشور شاهنشاهی در تعطیلات نوروزی بتوانند از عتبات عالیه زیارت نمایند خوشبختانه جناب نخست وزیر در این مورد با اشاره‌ای که میفرمایند پاسخ مثبت دادند متشکرم (احسنت).

نایب رئیس - بانو داودی تشریح بیاورید.
خانم ویدا داودی - بنام خداوند بزرگ، شاهنشاه، گرانقدر و ایران عزیزمان، جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند، یکی از مقایسه‌هایی که میخواهم امروز راجع به آن صحبت کنم و مطلبی است که از خرجت سود و زیانتش متوجه تمامی مملکت می‌گردد موضوع تأمین رفاه جامعه آموزشی از طرفی و بهبود کیفیت آموزشی در تمام سطوح از طرف دیگر میباشد.

در کشور که سال ما کسب علم و دانش همواره از ارزش و اعتبار اجتماعی خاصی برخوردار بوده و در عین حال که فضیلتی شمرده میشده فریضه‌ای نیز محسوب میگردد است. گنجینه‌های ادبی و فرهنگی ما بخوبی روشنکر این واقعیت است. غیرغم این طرز فکر، متأسفانه بدلائل گوناگون دانش آموختن و دانش یزوهیدن در گذشته نعمتی بود که فقط نصیب عده معدودی از مردم میشد و اکثریت جامعه از آن بی بهره میماندند.

یکی از اولین قدمهایی که در راه تحقق آرزوهای ملت مادرزاد کسب دانش همگانی برداشته شد تبدیل شدن مکتب خانه‌ها به مدارس عمومی در زمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر بود (صحیح است) امروز همانطور که میداند بدنبال این کوششها تحت رهبریهای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بانجا رسیده است که تعلیمات ابتدایی اجباری و آموزش از ابتدائی ترین مراحل تا بالاترین سطوح آن برای عموم رایگان گردیده است. تصور میکنم

ذکر این مطلب ضرورتی نداشته باشد که همراه با پیش اقتصادی و اجتماعی عظیمی که کشور ما بخصوص در دودعه اخیر داشته است تعداد دانش آموزان، دانشجویان و همراه با آن کادر علمی آموزشی ما سرعت و بطور روزافزون گسترش یافته است. این افزایش سریع که از طرفی بسبب خوشحال کننده و امید بخش است از طرف دیگر دولت را مواجه با نیازها و توقعات این گروه کرده است که برآوردن تمامی این نیازها طبعاً کار ساده‌ای نیست ایما از آنجائیکه این بحث ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد من صحبت خود را برای نتیجه گیری محدودتر مینمایم (احسنت).

اغراق نیست اگر بگویم امروز بیش از ۰.۳٪ کارمندان دولت را فرهنگیان، کسانی که تربیت فرزندان این آب و خاک بدست آنان سپرده گردیده است تشکیل میدهند، بدیهی است که تأمین رفاه این گروه شرط لازمی برای آسایش خیال و تفریح خاطر و در نتیجه کارآئی سازنده و مثبت این افراد بشمار می‌آید.

اما یکی از وسائل رفاهی اولیه نه تنها برای این گروه بلکه برای تمامی افراد مملکت مسئله تأمین مسکن است که بسیار ضروری است و باید در این راه کوشش بسیار زیادی شود.

این مسئله بسیار در خور تأمل است، چرا که مسئله مسکن همانطور که من در صحبتهای انتخاباتی هم بان اشاره کردم تنها یک مسئله مادی نیست، بلکه ارتباط مستقیمی دارد با آسایش خیال و راحت جسم و روح که طبعاً در تحکیم مبانی خانواده و در پی آن بهبود روابط اجتماعی مؤثر خواهد بود. امروز با وجودیکه خوشبختانه در کشور ما پدیده رشد اقتصادی فوق العاده سطح زندگی و حقوق و دستمزد بسیار بالا رفته است لیکن بازار سیاه تصنعی مسکن باعث نگرانی طبقات پائین و متوسط حقوق بگیران است این مملکت گردیده است و تا حدودی مسئله پیشرفت و سازندگی این افراد را تحت الشعاع خود قرار داده است. مریخی جوانی که گریه مسکن بیش از ۳ حقوق او را میبلعد و دائم نیز در معرض تهدید و اعتراض صاحبخانه که طالب درآمد بیشتری از خانه خود میباشد قرار میگردد، چطور میتواند با فکر راحت سر کلاس حاضر شود و با خوشفکری به ارشاد نسل جوان این آب و خاک بپردازد؟ در اینجا باید اشاره کنم که اعتراض صاحبخانه‌ها نیز که بدان اشاره شد شاید زیاد بی اساس نباشد، چرا که فردی که امروز مسکنی را مبلغ نیم میلیون و یا یک میلیون تومان

میخرد نمیتواند برای اجاره آن مبلغی در حدود ۰.۰۵ تومان انتظار داشته باشد. پس هزینه سنگین تهیه مسکن در مورد هر دو طرف وضع اضطراری و نگران کننده‌ای را بوجود آورده است.

امروز نه فقط معلمان و دبیران بلکه حتی استادان ما نیز حالت پیلهورانی را پیدا کرده‌اند که در تلاش معاش که سهم اعظم آنرا هزینه مسکن میبلعد از این آموزشگاه بان آموزشگاه و از این کلاس بان کلاس درس نیرومند و ناچار بدون آنکه خود بخوانند در ناآسایش آوردن کیفیت آموزش و پرورش نقش مؤثری را بازی میکنند. از طرفی این خستگی جسمی و فکری مداوم مانع از آن میگردد که مریخی و استاد آن فراغت خاطر لازم را برای برقراری ارتباط، تبادل نظر و گفت و شنودی سالم و سازنده و راهمسانسی هائسی دلسوزانه به دانش آموز و دانشجو داشته باشد.

بنابراین من با قاطعیت لزوم اقدامات جدی دولت را در زمینه تهیه مسکن برای کلیه افراد زحمکش این مملکت بخصوص فرهنگیان فاقد مسکن توصیه و از دولت میخواهم که با قرارداد زمینهای دولتی بقیمی نازل در اختیار وزارت آموزش و پرورش و امکان پذیر ساختن وامهای طولی مدت باینه‌های کم اقدام به ایجاد خانه‌های سازمانی برای معلمان و استادان بنماید و یا بهر حال تدابیر دیگری اتخاذ شود که فرهنگیان فاقد مسکن بتوانند با پرداخت درصد معقولی از درآمد خود صاحب خانه گردند طبیعی است که باید در این مورد ضوابطی از قبیل سابقه کار فرهنگیان و تعداد فرزندان و غیره برای قائل شدن اولویت در تأمین مسکن آنها در نظر گرفته شود. همچنین باید میزان حقوق و مزایا و نحوه ارتقاء این گروه بطور عادلانه و منصفانه مورد تجدید نظر قرار گیرد (صحیح است) در مورد ارتقاء مثلاً در وضع موجود گروههای شغلی ۱۱۰۰ و ۱۲ بطور مثال شاید عملاً فقط به یک گروه بسیار کوچک از معلمان تعلق گیرد و همین امر باعث میشود که معلمان برای اشغال پستهای اداری و مدیریت به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دیگر منتقل شوند و در نتیجه کلاسها از وجود معلمان متخصص خالی میمانند باید کاری کرد که یک معلم مثلاً کلاس اول ابتدائی (روی سطح ابتدائی تحکیم میکنم چون معتقدم که باید در این سطح ورزیده‌ترین مریخی که بخوبی بر سالت خود واقفند، بکارگمارده شوند) سالهای سال در همان کلاس تدریس کند و تجارب خود را در همان کلاس غنی کند و بعد از گذشت بیست یا سی

سال معادل حداقل یک مدیر کل گروه و پایه بگیرد و سودی بریدن از این شاخ به آن شاخ را که فقط و فقط در نتیجه محدودیت قوانین استخدامی ممکن است پیش آید از سرش بیرون کند.

در مورد حقوق و مزایا پیشنهاد دیگری که دارم قابل شدن مزایای خاص منطقه‌ای برای فرهنگیان جهت تشویق آنان به تدریس در کلیه نقاط کشور میباشد. در اینجا که صحبت از میزان حقوق و همچنین تأمین مسکن فرهنگیان نمودم باید اذعان کنم که دولت خود با این مسائل توجه داشته و انصافاً بنابر تابلو در این زمینه اقدامات زیادی انجام داده است ولی از طرفی از اینان این حقیقت نمیتوانم خودداری کنم که کیفیت و کمیت این اقدامات در مقام مقایسه با روند رشد اقتصادی جامعه ما متناسب نبوده است. مطلب دیگری که میخواهم بدان اشاره کنم، نارسائی متون درسی ما در آموزش فرهنگی، ملی و میهنی است. در حقیقت آنچه در پی رشد سریع اقتصادی کشور مشاهده میشود نیاز مبرم جامعه ما به درک صحیح از مفاهیم فرهنگ و توسعه در انطباق با شرایط امروز است. این فرهنگ توسعه فقط نباید و نمیتواند که راههای مادی حرکت اقتصادی و انقلابی جامعه ما را هموار کند بلکه باید انسان ایرانی را مجهز به ارزشهای فرهنگی و ملی متناسب با نیاز جامعه امروز کرده و او را در این راه بحرکت وادارد و این کار امکان پذیر نیست مگر اینکه کار آموختن و آماده ساختن وسیع فکری را در دبستان و دبیرستان و دانشگاه آغاز کنیم و حتی در سازمانهای اجرایی کشور بتشکیل مجامع آموزشی اقدام شود. اگر میگویم که مابه چنین بسیجی نخواهیم رسید مگر آنکه کودک را از کود کستان تا دانشگاه دنبال کنیم و واقعیتهای است که بان معتقدم اما نمیخواهم وضع حادی را که از نظر لزوم بسیج فکری و فرهنگی امروز مملکت ما بان مواجه است تعلق بحال کنم یا تعلق به زمانهای دور که شعار گونه جلوه کند. بنابراین آموزش را در تمام سطوح از ابتدائی تا دانشگاه و همچنین در سطوح مختلف سازمانهای اجرایی ضروری میدانم (صحیح است) و میدانم که در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی که در پیشگاه اعلیحضرتین در رامسر تشکیل شد بر اساس قطعنامه‌ای که بتصویب رسید مقرر گردید که آموزش فرهنگ ملی و همچنین آموزش اصول و مفاهیم حزب رستاخیز ملت ایران وارد مراحل تحصیلی از ابتدائی تا عالی بشود و من کمترین اطلاعی از نتایج اقدامات وزارت علوم و آموزش عالی و کمیته‌هایی که کار بررسی و پیگیری

قطعنامه را انجام داده‌اند ندارم، امامی‌انم که اجرای دقیق این قطعنامه که بتصویب رهبر و طمان رسیده است یکی از مبرم‌ترین نیازهای جامعه، ما جواب خواهد داد. نوجوانان و جوانان این مملکت باید بخوبی به تاریخ، فرهنگ، و فلسفه اجتماعی و سیاسی میهن خودشان آشنا گردند. همکاران ارجمند خوب میدانند که در برخی از کشورهای خارج آموزش فرهنگی، ملی و میهنی چگونه و باجه ظرفیتی در لایحی مطالب آموزشی ازبائین‌ترین تا بالاترین مدارج تحصیلی گنجانده شده است.

همانطور که عرض کردم بنظر من این آموزش آنچنانکه شایسته آن بوده است در متون درسی ما جای نگرفت است و هنوز بسیاری نوجوانان و جوانانی که با این تعلیم آشنائی لازم و بنیادی را پیدا نکرده‌اند و این رسالت خطیری است که اجتماع برعهده فرهنگیان که امروز از فراهم آوردن وسایل رفاه آنان سخن بیان رفت گذشته است.

اگر معلمان، مربیان و استادان کشور ما جوانان این مملکت را با موقعیت گذشته، حال و آینده و همچنین موقعیت جهانی آن و خطراتی که منافع ملی ما را میتواند بمخاطره بیندازد آشنا نسازند چه کس و کسان دیگری میتوانند و باید اینکار را انجام دهند. ایرانی باید بداند که تاریخ کشورش چه بوده است و ایرانی باید بداند که در دنیای پر آشوب فعلی هیچ نیروئی بجز اعتقاد و علاقه به وطن و ایمان و اعتقاد به نظام شاهنشاهی و همبستگی و وحدت ملی نمیتواند ضامن بقاء و حفظ منافع ملی باشد. باید بجوانان نشان داد که چگونه بیگانگی و دوگانگی و تشتت افکار و تفرقه در بین افراد ملتی میتواند مورد بهره برداری عوامل بیگانه برای از بین بردن آن کشور گردد. مثال زنده آنچه را که میگویم در جهان و در نزدیکی کشورمان زیاد سراغ داریم. من امروز با قاطعیت و صراحت میگویم که جوانان وطن ما از پاکدل‌ترین، شرافتمندترین و میهن‌پرست‌ترین و شادوست‌ترین جوانان روی زمینند (صحیح است). حتی جوانانی که ره‌گم کرده‌اند و بیخواره‌اند اصلاح‌پذیرند زیرا اگر درون این جوانان رانیز خوب بکاوید آنان را یک ایرانی و ایران پرست شادوست میباید. پس زمینه‌های فرهنگی و ملی مساعد برای ارشاد جوانان ما بسیار است باید این زمینه‌ها را درست شناسائی و از آنها بهره‌برداری نمود. منظور من در این زمینه تبلیغ نیست، چرا که کشور ما به تبلیغ نیاز ندارد و همانطور که رهبر این مملکت فرموده‌اند ما چیزی برای پنهان کردن نداریم و بنابراین احتیاجی به تبلیغ نیست، فقط باید واقعات را

خوب شناخت و خوب شناساند و این رسالتی است که باید انجام آنرا از برریان کشور انتظار داشت. غیر از آموزش ملی و میهنی زمینه دیگری که من با تأسف باید بگویم جای آنرا در سیستم آموزشی ما تا حدودی خالی می‌بینم آموزش اخلاقی و دینی است (صحیح است) وقتی به تاریخ ادیان در کشورمان مراجعه میکنیم درمی‌یابیم که چه ادیان باستانی ما و چه دین مبین اسلام که در ایران رنگ و جلای ایرانی پذیرفت همه سرشار از بهترین تعلیم انسانی و اخلاقی بوده و همواره زیربنای معنوی محکمی برای فرهنگ و تاریخ کهنسال ما فراهم آورده‌اند. با وجود این می‌بینم که بدون آنکه خود متوجه باشیم زندگی ماشینی امروز بتدریج وسایل جداسازی ما انسانها را از این تعلیم عالیه فراهم میآورند. مثلاً در حالیکه برای ساختن یک جاده و یا سد مبالغ زیادی به کارشناسان و متخصصین مربوط میپردازیم وقتی به مسائل معنوی میرسیم لزوم متخصصین و کارشناسان را حس نمیکنیم.

باید اصول مذهب را که مظهر خوش بینی، صداقت، اعتماد و ایمان است به فرزندان این آب و خاک آموخت و اخلاق و معنویت را در آنان تقویت نمود و در مقابل هر آسبی مقاوم خواهند بود.

تردید نیست که مسئله فساد که رهبر عالیقدر مملکت امر بمبارزه با آن را فرموده‌اند، خود ناشی از متزلزل بودن بنیادهای اخلاقی و بی‌ثباتی روحیه تقوی و فضیلت در بین عده معدودی از افراد این مملکت است. در امر مبارزه با فساد بنظر من باید دولت دو برنامه داشته باشد یکی کوتاه مدت که رسیدگی قاطع و روشن به اتهامات افراد میباشد و برنامه بلند مدت که بسیار ضروری و با اهمیت است همین مسئله گنجاندن مسائل ملی و اخلاقی در متون درسی کلیه سطوح آموزشی میباشد. بعقیده من اگر جوانان را باین دو سلاح یعنی شناخت صحیح شعائر و مقدسات ملی و میهنی و همچنین پای بندی و اعتقاد به مذهب، اخلاق و معنویت مجهز نمائیم میتوانیم مطمئن باشیم که این دو پایگاه، جوانان ما را در مقابل هر آسبی مقاوم خواهند نمود (صحیح است) من از دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران میخواهم که در جلسه مشترک نمایندگان مجلسین بحث درباره سیاستهای آموزش و پرورش را بنور نظر قرار دهند تا با همفکری دولت و نمایندگان ملت بتوانیم راهی سریع و معقول برای این مسئله بیابیم. پیشنهاد دیگری که در زمینه آموزش داشتم فکر

ایجاد شهرک‌های دانشگاهی در سالهای آتی است. حسنی که این سیستم دارد امکان پذیر ساختنش فراغت خاطری است که استاد و دانشجو با آن احتیاج داشته و هر دو میتوانند برای مدتی که تدریس و یا تحصیل میکنند بمفهوم واقعی باصطلاح یک طلبه علم گردند. ایجاد این سیستم در بهبود کیفیت آموزشی بی‌شود بسیار مؤثر خواهد بود. مطلب دیگر در مورد راهنمایان تعلیماتی است که تعداد آن‌ها ... نفر بوده و گویا از اول بهمن ماه به کار تدریس پرداخته‌اند.

این مسئله‌ای است که برای من کمی مبهم است برای اینکه کادر آموزشی ما مسلماً از اول مهر ماه که مدارس شروع شد مسلماً کافی می‌بایست بوده باشد بنابراین، این ... نفری که از اول بهمن ماه بکار تدریس پرداخته‌اند علاقمندم که بدانم که به چه صورت جذب شدند و بهر حال وجود راهنمایان تعلیماتی که در امور تخصصی و تجربه کافی در این امر داشته باشد لازم است و اگر هم ما با کمبود نیروی انسانی روبرو هستیم امیدوارم که مورد توجه وزارت آموزش و پرورش قرار بگیرد و در این مورد هم اقدام کافی بشود (صحیح است) مسئله دیگری که خواستم صحبت کنم مسئله جوانان است که چون عده نسبتاً زیادی از همکاران عزیزم به این مسئله توجه کرده‌اند و راجع به آن صحبت کرده‌اند من سخن را کوتاه می‌کنم و فقط یک یادآوری می‌کنم که مسائل خدمات رفاهی که برای جوانان منظور شده در تمام نقاط کشور بطوریکسان تنظیم نشده و امیدوارم در این مورد توجهی بشود ضمناً این سازمان‌های رفاهی در بعضی از موارد دیده شده که هماهنگی لازم را ندارند در نتیجه آن بازدهی که باید از کار این سازمان‌ها بوجود بیاید درست بدست نمی‌آید استعدای بدل توجه بیشتر را در این مورد دارم مسئله دیگری که می‌خواهم اشاره کنم مسئله زنان است خوشبختانه تحت رهبری‌های رهبر خردمند ما دولت همیشه به این مسئله توجه داشته که من می‌خواهم از حسن توجه دولت سیاست‌گذاری کنم (احسن است) و هم چنین از حسن انتخاب دولت در مورد وزیر مشاور در امور زنان که یکی از شایسته‌ترین زنان کشور است. وقتی که ما راجع به زنان صحبت می‌کنیم باید فراموش نکنیم که مافقط و فقط از اقلیت زنان که در شهرها و مراکز استان‌ها هستند

صحبت نمی‌کنیم، اکثریت زنان مادرشهرهای بسیار کوچک و در روستاها زندگی می‌کنند همانطور که می‌دانید دوش بدوش مردان بار اقتصادی مملکت را بدوش دارند. اسامی درنظری که جناب آقای نخست وزیر در مورد بودجه

فرمودند باین مسئله اشاره کردند که بیش از پیش سعی خواهیم کرد که زنان وارد بازار کار شوند من ضمن تشکر از ایشان خواستم که چند نکته را یادآوری کنم که بآن توجه بشود یکی از نکات قرارداد آموزش حرفه‌ای زنان در برنامه وزارت کار، و مسئله دوم تشویق زنان در آموزش عالی و رشته‌های فنی و همچنین مسئله تعاونی‌های زنان است. زنان کشور تا بحال نشان داده‌اند از حقوقی که رهبر بزرگ مملکت ما بایشان اعطا فرمودند بسیار متشکر و سپاسگزارند و همچنین شایستگی خودشان را در بسیاری از موارد نشان داده‌اند (صحیح است) (یکنفر از نمایندگان - نمونه‌اش شما هستید که الان اینجاست صحبت می‌کنید) در یکی از نطق‌هایی که آقای نخست‌وزیر فرمودند باین مسئله اشاره فرمودند که اسامی اکثریتیه‌های اول دانشجویان دانشگاه‌های کشور از خانمها بودند این امر نشان دهنده اینست که زنان ما واقعاً کوشش کرده‌اند که شایسته مقامی که بآنها اعطای شده است باشند من در اینجا می‌خواهم باین مسئله را باز تأکید کنم به برادران عزیزم که زنان ایران هرگز نخواستند و نمی‌خواهند که مثل مردان باشند و نمی‌خواهند جای آنها را بگیرند (یکنفر از نمایندگان - باید باشند حق دارند باشند و بالاتر از مردان هم هستند) این را هرگز فراموش نکنید زنهای ایران همیشه خواسته‌اند مثل یک انسان فردی از افراد اجتماع درباره آنها صحبت بشود و درباره آنها قضاوت کنند ما هر وقت که در کشورمان راجع به زنان صحبت کردیم همیشه باین مسئله اشاره کردیم و قبول کردیم که زن در وهله اول یک مادر است در هیچ موردی نباید وظایف مادریش را فراموش کند (احسن است) اما در مواردی دیده شده است که مادر بودن یک عمل جرم و گناه است خدمتان عرض می‌کنم (یکنفر از نمایندگان - مادر همیشه مقدس است) مثلاً در بعضی از کارگاه‌ها دیده شده است که فقط دختران یا خانمها تیرا که بچه ندارند برای استخدام قبول می‌کنند (عباس میرزائی - نسبت بمردها هم همینطور بود چون میبایستی بآنها حق عائله مندی بدهند) همین را میخواستم عرض کنم خانمهایی که بچه دارند طبق قوانین وزارت کار آن کارگاه‌ها باید برای آنها مهد کودک فراهم کنند یا اگر در دوران بارداری بودند سه‌ماه باینها مرخصی بدهند و همین دلیل بطور غیر رسمی از استخدام اینها جلوگیری میشود. در دوران بزرگی که ما بسر می‌رویم لازم است چون زنان ما شایستگی کارهای اجتماعی دیگری را هم دارند تسهیلاتی برایشان فراهم بکنیم که در عین

حال که یک مادر خوبی هستند بتوانند بوطنشان هم خدمت کنند (احسنست) باید وسائل رفاهی زنان و مادران را در این مورد فراهم کنند تا اگر کسی علاقمند کارهای اجتماعی است با فراغت خیال هم مادر خوبی باشد و هم یک فرد خوبی و مفیدی برای اجتماع باشد و کارهای اجتماعی را انجام دهد (آقرین) مسئله دیگری که که در مورد زنان باید اشاره کنم مسئله زنان شاغل است امروزه خوشبختانه در برتو انقلاب شاه و ملت تعداد زنان تحصیل کرده ما بسیار و بسرعت بالا رفته با وجود این ما می بینیم که زنان شاغل در سطوح بالای اداری کم دیده میشوند تقاضا داریم بدل توجه باین موضوع بشود یک مسئله دیگری که میخواستم در مورد زنان اشاره کنم مسئله فراهم آوردن تسهیلات برای سواد آموزی است و آموزش حرفه‌ای زنان است، زنان روستائی، زنان عشایری (سالار جاف - شیر زنان عشایر) بقول آقای سالار جاف شیر زنان عشایر، درباره این کار فوایدی در دوره انقلاب در مورد تساوی حقوق زن مورد تصویب رسیده است که مورد تشکر است ولی باز هم مواردی از عدم تساوی وجود دارد که لازم است در دوره رستاخیز این موانع را هم از بین ببریم تا زنان بتوانند از آن حقوقی که در شان دوره رستاخیز است بهره‌مند شوند البته بموقع این موارد را که هنوز هم نمونه‌هایی از آن در قوانین وجود دارد در این مکان مقدس یاد آور خواهم شد مسئله دیگری که جدا از این مسائل است مسئله کمک‌های است که در بودجه کشور برای خرید ارزاق عمومی در نظر گرفته شده این ارقام نسبتاً قابل توجه است من ضمن تشکر از دولت که برای تأمین رفاه عمومی مبالغی را برای این منظور در نظر گرفته امیدوارم در سالهای آینده ما بتوانیم سیاست‌های را بمورد اجرا بگذاریم که از نظر وضع کشاورزی و دامپروری تا حدود خیلی زیادی بان خود کفائی برسیم و احتیاج برای کمک هزینه‌ها کمتر باشد (صحیح است) مسئله دیگر مسئله شهر تهران است البته همه ما میدانیم وقتی که ما وارد مجلس شدیم این قضیه و این مسئله که من تهرانی هستم یا دیگری وکیل از شهرستان است بهیچ وجه مطرح نیست و من نیز امروز بطور کلی بعنوان وکیل از ایران صحبت می‌کنم اما ما در این چند روز دیدیم که بتهران خیلی حمله شد.

یک نفر از نمایندگان - بیشتر از این حقش است .
نمایندگان - همه بولها را در تهران خرج می‌کنند.
بانو داودی - کمبودهای تهران را ندیده‌اید ؟

(یک نفر از نمایندگان - بیشتر از این باید حمله شود).
این شهر در حدود چهار و نیم میلیون نفر جمعیت دارد (یک نفر از نمایندگان - در شهرستانهای دیگر بیست میلیون هستند و در این شهرها تقاضای وجود دارد که بکارهای عمرانی نیاز دارد.) (یک نفر از نمایندگان - در تهران در یک منطقه فقط ۳۰۰ خیابان خاکی است) (یک نفر از نمایندگان - هر چه بیشتر به تهران توجه بشود این گره کور را کورت تر خواهد کرد.) (یک نفر از نمایندگان - همه تهران که دو خیابان چردن و بارکزی نیست) دوستان عزیز توجه بفرمائید من منظورم عدم توجه بسایر شهرها نیست (منتظری - وقتی بولها را به تهران دادند بشهرستان توجه نمی‌شود) یکی از دوستان عزیزم در موقع طرح بودجه هر کمسیون بودجه پیشنهاد کرده بود که از تهرانها عوارض پایتخت کشینی بگیرند (قاسم زاده - تهران پایتخت ایران است باید آباد شود) من هم پیشنهاد دیگری دارم فکر میکنم با این وضع ترفیکی که ما داریم و این وضع آلودگی هوا که گرفتارش هستیم شاید لازم باشد مزایای خاص منطقه‌ای تهران تعلق بگیرد البته درست است که بشهرستانها هم باید توجه شود و توجه بشهرستانها یک مقداری از مشکلات تهران را حل خواهد کرد بفرحال چون راجع بتهران صحبت شده بود خواستم این مطلب را عرض کرده باشم و چون همکاران دیگر هم میخواهند صحبت کنند من پیش از این وقت عزیزتان را نمی‌گیرم. (احسنست - احسنست)

نایب رئیس - آقای دکتر چهارزی بفرمائید.

دکتر چهارزی - جناب آقای رئیس - همکاران ارجمند، وزراء، معاونین عظام، در جریان انتخابات و مسافرت‌هایی که بعد از آن برای بازدید حوزه انتخابیه کردم همه جا در برخورد مردم مصادف نادو کلمه میشدم خدا، شاه (احسنست) میدانید چه میگفتند؟ خداوند شاه را سلامت بدارد. خداوند از عمر ما بردارد روی عمر شاهنشاه بگذارد (احسنست). میگفتند دکتر پشاه عرض کن چه داریم و چه نداریم. فلسفه این موضوع چیست؟ توکل بخدا یک امر طبیعی است هر دیشموری خواه ناخواه دست توکل بسوی خدا دراز میکند اما شاه چرا؟ چرا در هر کجا کوی و بزم شهر و روستا اقصی نقاط ایران که میروند مظهر نظر مردم و تکیه گاه آنها شاه است آیا فکر

کردید چرا؟ ملت ایران بعقیده معاندین میگویند از ناب ترس اینطور است اما یک روستائی که کیلومترها فاصله با مرکز دارد از چه میترسد برای چه بترسد؟ گذشته از این اگر از آنها بپرسید از کی میترسید میگویند فقط از خدا ترس داریم نه از کس دیگر. عده دیگری هم میگویند از ناب تعلق است میدانید که تعلق را هم معمولاً برای بیودجونی تعلق میگویند برای استفاده اما آن دهاتی که با کدیمین و عرق جبین زندگی خودش را تأمین میکند چه نیازی به تعلق دارد و از این تعلق چه بهره‌ای میگیرد بنابراین این موضوع که علاقه بشاه درازگ و ریشه هر ایرانی اعم از شهری و دهاتی هست فلسفه دیگری دارد جامعه ایرانی شفته قدرت، قضاوت، آزادمنشی، نیکی و نیک اندیشی است و شاه ما مظهر این صفات هستند گفتم جامعه، جامعه تشکیل شده است از افراد و از موقعیتها و مقامهای اجتماعی ببینم شاه ما در اجتماع ما از چه موقعیتی برخوردار هستند وقتی ما مقایسه کنیم که سلطنت‌های مشروطه در دنیا زیاد بوده ولی هیچوقت مردم این کشورها این چنین علاقه‌ای بشاه خود نداشته اند برخورد میکنیم که شاه ایران زمین دارای شش مقام است که در تاریخ هیچ رهبری از ۶ مقام بهره‌مند نمیشده است اولین مقام شخصیت است شخصیت بارز شخصیت ممتاز شاه ایران مورد بحث نیست خاص و عام در این موضوع موافقت دارند مقام دوم منتخب شدن از طرف قانون اساسی باین سست است مقام سوم فرماندهی کل قوا است مقام چهارم

وزارت و دوازده وزارت و پنج ساله کشور شاهنشاهی است مقام پنجم طراح ایران نوین و انقلاب شاه و ملت است همه شما خوب میدانید که چه انقلاب‌ها در دنیا صورت گرفته است و ولی کمتر انقلابی است که جامعه‌ای را باین شکل دگرگون کند بدون اینکه هیچگونه پیش‌آمدی خلاف انسانی صورت بگیرد (صحیح است) صحبت از ارزیابی افراد در جامعه شد خوب است خودمان را هم ارزیابی کنیم مجلس بیست و چهارم دوره مشروطیت از برگزیدگان دوره رستاخیز، فرد فرد آنها دارای سه مقام هستند هر نفر از ما دارای یک شخصیت اجتماعی هستیم مثلاً یکی پزشک است دیگری مهندس است دیگری کشاورز است کارگر است و غیره و در هر موقعیتی که بوده‌ایم مسلماً از بهترین بوده‌ایم که انتخاب شده‌ایم. چنانچه رهبر ما قبل از انتخابات فرمودند که در این انتخابات آزاد باید بهترین‌ها انتخاب شوند. قسمت دوم این است که هر کدام از طرف هزاران نفر افراد این مملکت انتخاب شدیم و این

امتیاز بزرگی است و سوم این که وراثت. ۷ ساله مشروطیت به عهده ما است و در کلیه موارد بایستی در حفظ و حراست آن کوشش کنیم و این وظیفه بزرگی است. حیثیت هر امامزاده وابسته به متولی است همانطور که حیثیت این مجلس هم وابسته به ماست و اگر چنانچه خدای ناخواسته ما در اینجا منافع شخصی یا حسابهای اختصاصی یا منافع خودمان را مقدم بر حیثیت مجلس تلقی کنیم اشتباه است. تاکنون نشده و نخواهد شد ولی بدانید قضاوت جامعه روی همه ما یکی است و اگر خدای نخواهد شد (دکتر صدیق اسفندیاری - هر کس مسئول عملیات خودش است.) مسئولیت دونوع است یکی فردی و یکی اجتماعی و در عین حال کسی که مسئولیت فردی دارد نمی‌تواند خودش را از زیر بار مسئولیت اجتماعی جدا کند. یک ایرانی فرض بفرمائید مسافرت میکند با یک اتوبوس با یک ترن می‌رود به یک هنلی اگر در خارج از ایران باشد هر بیس آمدی درباره او اتفاق بیفتد میگویند ایرانی این کار را کرده است این مسئولیت اجتماعی است. آقای عباس میرزائی متأسفانه اینجا نیستند چون صحبتی که میخواهم بکنم مربوط به ایشان است.

(نایب رئیس - جنابعالی صحبت‌تان را بفرمائید آقای عباس میرزائی باشد یا نباشد)
دکتر چهارزی، از جهت اجتماعی از جهت فلسفی موضوع رستاخیز را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم میدانید یکی از پایه‌های رستاخیز ملت ایران نظام شاهنشاهی است. این فقط دو کلمه است آیا مفهوم این نظام شاهنشاهی غیر از این دو کلمه چیز دیگری میتواند باشد و اگر در این مورد کنکاش بکنیم به چه خواهیم رسید. نظام شاهنشاهی از موقعیت و امتیازات خاصی برخوردار است تاریخ ما بجا نشان داده و اگر در تاریخ دنیا مطالعه کنیم هر وقت پیشوایان ایرانی به بالاترین درجه عظمت و قدرت رسیدند هیچگاه و هیچ زمانی آن قدرت را برای کارهای خلاف بکار نبردند (صحیح است) جهانگیرها، فتوحاتی که میشد همیشه توأم بود با رعایت حقوق انسانی، کشت و کشتار، فجایع، از بین بردن نسل چنانچه خود ما دچار بودیم هیچوقت در فتوحات ایران دیده نشده بلکه پس از فتح همیشه حقوق حقه انسانی در باره مغلوبین رعایت میشد. این قدرت توأم با عدالت آزاد منشی، نیکی و نیکخواهی از خصوصیات نظام شاهنشاهی

ایران بوده است و در هیچ سازمان مقتدر دولتهای خارج از کشور شاهنشاهی ایران چنین نمونه‌ای دیده نمی‌شود و بیشتر اوقات پیشوایان ملت‌ها به قلع و قمع مغولین می‌پرداختند صحتی که راجع به آقای عباسمیرزائی داشتم در مورد راجع با وجودی که خود ایشان شکسته نفسی میکردند که من یک کاری بیش نیستم در قسمت اول سخنان داد سخن دادند معرکه صحبت کردند ولی آنجائی که دفاع از دولت را بعد گرفته‌اند مخصوصاً چندین مرتبه راجع به ناطق قلی صحبت کردند بنظر بنده این شایسته مقام یک نماینده مجلس نیست که نماینده دیگری را مورد انتقاد قرار بدهد بیانات آن همکار ما جنبه ایده‌آلیستی داشت جنبه آینده نگرى داشت و میدانید هر قضاوتی که بخواهید روی هرجامعه بکنید شامل دو قسمت است همکار ما آقای دکتر عاملی درباره اقداماتی که شده بود از لحاظ توجه به آینده از لحاظ تیل به کمال مطلوب صحبت میکرد آقای عباسمیرزائی بر مبنای بررسی آنچه که انجام گرفته و واقع بینی و یادآوری اینکه آنچه شده و نباید قدر آنرا بدانیم صحبت میکرد هر دوی این سخنان بیجا بود اما آنجا که شروع کردند به آمار و ارقام این دیگر از وظایف وزیر تعاون و امور روستاها بود این تذکر را حضور همکاران عزیز عرض میکنم که ما در یک سطح هستیم و احترام بخودمان شامل همه‌مان میشود در مورد بودجه صحبت کردن بعد از این مقدمه چون موقوف و مخالف مطرح نیست و همه عضو حزب رستخیز هستیم و در حقیقت رهروان یک طریقت می‌باشیم موافق و مخالفی نمی‌تواند وجود داشته باشد بررسی، انتقاد، ارشاد، از وظایف ما است (صحیح است) موقعی که بمناسبت بودجه حاضر یک چنین امتیازی می‌شویم و اعضای دولت گوش فرا میدهند وظیفه ما نمایندگان است بودجه دولت را با کمال دقت مورد مذاقه قرار بدهیم و نواقص آن را تذکر بدهیم ایده‌آل این بود که قبل از اینکه ما شروع به صحبت کنیم بررسی بودجه‌ای که دولت تنظیم کرده است و بخصوص کارشناسان زیادی روی آن کار کرده‌اند افراد ذی صلاحیت می‌خواهد و هیچ نماینده‌ای نمی‌تواند ادعا کند که من کلیه بودجه را می‌توانم بررسی کنم مگر اعضای کمیسیون بودجه که اینکار را از لحاظ تخصص خودشان انجام میدهند اما وقتی بودجه در مجلس مطرح میشود امیدوارم یک زمانی برسد که کیفیت بودجه از لحاظ مواد مختلف به صاحب نظران سپرده شود و هر کس راجع بیک امر خاص صحبت کند بطور دقیق و

و کامل و شکافته که در حقیقت هم برای نمایندگان شمرتم باشد هم برای دولت ارائه طریق باشد از اینکه مایا نیم هر کدام همان موضوعات راه، وزارت آموزش و پرورش، نیاز بدکتر و پزشک و نیازهای مشابه راجع کنیم حیف وقت خود ما و حیف وقت دولت است اگر فرض کنید قرار میگذاشتیم فلان فرهنگی که متخصص است و در روستاها و شهرها سالیان متمادی وقت خودش را در این مورد صرف کرده است و دیگری در مورد دیگری ارائه طریق کند مسلماً تمام نکات بودجه مورد بررسی قرار میگرفت و امیدوارم در سالهای آینده باین ترتیب صورت بگیرد اما اقداماتی که دولت در این چند سال کرده است اقدامات دولت آقای هویدا از هر جهت قابل تقدیر است و در بسیاری موارد توانسته مسائل را بر مرحله‌ای برساند که مورد نظر شاهنشاه است و در این راه خیلی کوشش کرده است این را همه میدانیم و شاهنشاه هم بخوبی واقف هستند و اصولی که اول شش اصل بود و بعد به هفده تا رسید حاکی از آینده نگری و توجه خاصی است که شاهنشاه به آینده این کشور دارند اما آیا اصولی را که شاهنشاه مطرح فرمودند و اجرای آنرا از دولت خواستند بغیر از سه چهار اصل بقیه تمام و کمال اجرا شده؟ برای اجرای بقیه هنوز موجبات و وسائل کافی و تجهیزات کافی نیست اشکالاتی که اینجا بحث کردند بدان سبب بود و بسبب آن بود که آنچه که شاهنشاه مطرح کرده‌اند با آنچه که ما داریم خیلی اختلاف دارد البته دولت کوشش کرده است ولسی و سائل کافی نیست در همین سفری که بنده به لنجان رفتم در آنجا پنجاه هزار دانش آموز هست پنجاه هزار را گفتن آسان است ولی اداره اش خیلی مشکل است در بسیاری از مدارس اتاق نیست و شاگردان روی زمین می‌نشینند خانواده‌ها شکایت دارند بقول رئیس آموزش و پرورش وقتی اشکالات را بررسی میکردیم در یک جلسه‌ای گفت آقایان من بشما حق میدهم میدانید چرا؟ برای اینکه شب کاری شما بیشتر از روز کاری دولت است نتیجه این شده است که بجهت زیاد شده دولت هم نتوانسته با وجود اقداماتی که کرده است صدر صد توفیق پیدا کند (خنده نمایندگان) نکته جالب عدم هماهنگی‌ها و اختلاف‌ها در دستگاه اجرائی مخصوصاً قوانین نارسا و متضاد و نامتعادل است که زیاد داریم در مورد دادگستری میتوان گفت که قوانین با هم متناقض است قضات خوب زیاد داریم ولی قوانین تناقض دارد به مجموعه قوانین گذشته نگاه کنید کمتر قانونی

است که قاطع و کامل باشد هر قانونی که داریم ناقص آن قانون هم موجود هست و علت اینکه این همه پرونده‌ها میماند این همه مراجعین زیاد است برای این است که قوانین ما کشدار است بهر صورتی تبدیل و تغییر پیدا میکند بعد از این مقدمه چون مباحثی که میخواهم عرض کنم در سه قسمت است یکی لزوم رعایت حقوق حقه و قانونی مردم و اجتراز از تبعیض از طرف دستگاههای اجرائی، ما در دوران رستخیز یعنی آگاه شدن مردم، از روستائی و شهری هستیم گذشت آن دوره‌ای که هر رعیتی در مقابل ظلم میگفت خدایا خودت تقاص او را بده امروز روستائی میگوید حقم را می‌خواهم (صحیح است) شاهنشاه فرموده‌اند که از این حق بهره‌مند شوم علت اینکه ملاحظه میفرمائید تقاضا و نامه‌ها زیاد است بدان سبب است که مردم شهر و روستا متوجه شده‌اند که باید استیفای حقوق خودشان را بکنند شاهنشاه معظم وقتی که فرمودند حکومت بر مبنای بی‌نوا و فقیرت‌خاری ندارد و تمام همسرم و کوشش خودشان را صرف این کردند که عقب ماندگی را جبران کنند برای این بود که از آن مرحله عقب ماندگی بر مرحله غنا و بر مرحله مرجع بودن مردم دنیا برسیم که امروز حتی از ما استمداد هم میکنند و اینها باعث شده است که افراد ملت بحقوق حقه خودشان بی‌برند مثالی عرض میکنم بموجب قوانین و مقررات مربوط طرحهای دولت در اختیار می‌گیرد مثلاً فضای سبز درست کند جاده درست کند برای اجرای این طرحها طبق موازین قانونی گاهی باغات و خانه‌های مردم را خراب میکنند و هیچکس هم حق اعتراض ندارد چون طبق موازین قانونی است اما آیا شایسته است پس از خراب شدن خانه زید یا عمرو دو سال سه سال بدود دنبال دولت که پول خانه یا باغ خودش را بگیرد (یک نفر از نمایندگان - این مربوط به شهرداری است) شهرداری و دولت فرقی نمیکند دستگاههای حافظ حقوق مردم نباید تبعیض قابل شوند اگر شهرداری خانه حسن و حسین را می‌خرد چرا مال تقی و نقی را نمی‌خرد چرا بیکی می‌گوید بودجه ندارم و به بعد موکول میکنم شهرداری می‌گوید بودجه ندارم وزارت مسکن می‌گوید بودجه ندارم وقتی به آقای مجیدی مراجعه میکنند می‌گوید اعتباری که به آنها داده‌ام مصرف کرده‌اند اما تکلیف آن شخص چیست؟ چندی پیش که به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدیم ضمن فرمایشات حکیمانانه‌شان فرمودند ببینید نقطه عطف استعمار سیاه و سرخ کجا است زیرا همکاری این دو سیاست در بسیاری جاها دیده شده

وقتی بررسی‌هایی صورت گرفت مسلم شد که اولین پایه سیاست استعماری عدم رضایت افراد است تا فردی ناراضی نشود اسلحه بدست نمی‌شود تا فردی ناراضی نشود اسباب دست واقع نمیشود. دستگاه اجرائی دولت حق دارد طبق موازین و مقررات قوانین را بر مرحله اجرا در آورد (یکی از نمایندگان - اگر کسی ناراضی شد که نباید زود آلت دست شود) نگفتم آلت دست میشود گفتم از لحاظ فلسفه اجتماعی، اولین پله آلت دست شدن ناراضی شدن است. در سفری که به کرمانشاهان کردم استاندار وقت که یکی از افراد بسیار فعال و دانا و مورد اعتماد دستگاه دولت و مورد احترام مردم بود طرحهایی را پیاده کرده بود این طرحها بصرف چیست؟ بصرف مردم آنجا، برای زیبایی شهر و برای بهبود محیط زیست. متأسفانه قبل از آنکه آقای استاندار بتواند همه این طرحها را پیاده کند در بیست وزارت منصوب شدند در زمان استبداد بعدی برای بررسی وضع تشکیلات لاینزیات را فرستادند و دوم که آنجا تشریف برده بودند بودجه کافی نبود که آن طرحها را ادامه بدهند، چنانچه در اصفهان ما هم استانداری که خیلی کوشش می‌کرد و قش را صرف می‌کرد برای پیاده کردن طرح جامع شهر اصفهان همین آقای دکتر کیانپور وقتی وزیر شدند و به تهران تشریف آوردند طرح ناقص ماند. در لنجان هم آمده‌اند راهی ساخته‌اند میلیونها تومان خرج آن شده است بین اصفهان و ذوب آهن ولی درست این راه از وسط بهترین مزارع کشاورزی عبور داده شده و دوفضای کشاورزی ارزشمند را از بین برده‌اند چون دیگر کشاورزی نمی‌کنند وقتی شاهراهی از وسط یک منطقه کشاورزی عبور کنند و آب‌طبی اطراف آن به متری ۰.۰۰ - ۰.۰۰ تومان برسد دیگر زمین زراعی باقی نمی‌ماند و تازه این جاده صدها پل دارد و هزینه آن بهمین جهت سربه میلیونها زده و این جاده به خطه‌آیا می‌دانید کجا میرسد؟ به قلب اصفهان و تریلرها می‌آیند در وسط شهر نمی‌توانند عبور کنند و حالا به این کیفیت متوجه میشوید که عجب راهی هرشت کرده‌اند در حالیکه من نقشه هوایی اصفهان را دیده‌ام اگر این راه از دروازه نجف‌آباد به اصفهان باز میشد از وسط بیابان لم یزرع عبور میکرد نه احتیاج به پل داشت و نه مزارع را خراب میکرد سه کیلومتر هم کوتاه‌تر بود و مشرف به جاده تهران، خوب اینکار را کی کرده؟ دستگاه اجرائی. میدانید چقدر خرج نقشه کشی و مطالعه و غیره شده است؟ بقول بعضی که می‌گویند زیاد انتقاد نکنید و قدر این

کارگانی که شده است بدانیز ، ولی خوب ، وقتی میلیونها تومان خرج نقشه کشی میشود ، میلیونها تومان صرف مطالعه و بررسی این اشتباه بزرگ میشود ، از هر کس که بپرسید می‌داند که اشتباه کرده‌اند ، پس چرا گفته نشود ؟ از هر افغانی یا نجانی که در این مورد سؤال کنید بی‌اشتباه آنها خواهد برد ، اینست که این مسئله را عرض کرده و توجه به حقوق حقه مردم را از دستگاه اجرائی خواستارم و سپه‌واره بان مرحله برسیم که در هر طرف فکر بکنید فقط بخواهند آن طرح را اجرا کنند ، این طرح مربوط به مردم است و مردم هم برای خود حقی قائل هستند ، طرح را با توجه به کلیه جهات که حقی از کسی ضایع نشود مرحله اجرا در آورید ، در این مورد پیشنهادی داریم که دولت مؤتلف است اجرای طرحهای عمرانی و شهری را که آغاز شده ولی بسبب کسر بودجه متوقف گردیده است در اول سال ۱۳۰۵ ، بانها اولویت بدهند و در صف مقدم دیگر کارها قرار داده شود موضوع " دوم صرفه جویی است ، صرفه جویی شامل دو قسمت است یکی صرفه جویی در نیروی انسانی و دیگری اداری ، صرفه جویی در نیروی انسانی ، در دستگاه اجرائی فکر می‌کنم مورد توجه قرار نگرفته است ، دلیلش را هم عرض می‌کنم ، همه می‌دانند که اگر یک سازمان بخش خصوصی را با یک سازمان دولتی مقایسه کنیم اختلاف اعتبار هزینه کارمند و کارآئی و بهره‌گیری فوق العاده زیاد است ، یک متخصص میگفت برای یک کار مشابه در بخش دولتی دویز بر هزینه و نصف بهره‌گیری معادل آن در بخش خصوصی است ، چرا مگر این مامت یکی نیست؟ مگر این فرد ایرانی که در بخش خصوصی کار می‌کند با آنکه در دولت کار می‌کند از نظر سازمان بدنی و فیزیکی متفاوت است؟ (یکی از نمایندگان - بلی ، دو شخص از نظر فیزیکی متفاوتند) به عقیده بنده تفاوتی ندارد مقتضیات و شرایط و خصوصیات است که این اختلاف را بوجود می‌آورد ، مد شده است در سالهای اخیر در تمام دوایر دولتی که وزیر و معاون و زیزو مدیر کل و حتی شهردار کوچکترین منطقه سکرتر یا منشی دارند آقای نخست‌وزیر آقای وزیر و آقای مدیر کل حق دارند برای اینکه مراجعات زیاد است باید برنامه‌ها تنظیم شود و کار سرعت بیشتری بخود بگیرد بشرط آنکه سوء استفاده نشود « خنده نمایندگان) اما شهردار منطقه مایا منطقه سیزده که باید با مردم سروکار داشته باشند و در اطاعتش بروی مردم باز باشد دیگر منشی برای چه می‌خواهد؟ (مظهری -

توانسته‌ام جزئی از مفاهیم رهبر بزرگ را به مرحله عمل در آوریم این را کارمندان دولت کردند پس انکار نمیشود کرد که تفاوت بین کارآئی بخش خصوصی و دولتی فوق العاده زیاد است استدعای من این است که چرا و به چه ترتیب میتوان موجباتی فراهم کرد که کارآئی بخش دولتی نزدیک شود به بخش خصوصی این صرفه جویی در قسمت نیروی انسانی بود اما صرفه جویی دیگر در این است که اگر بخواهیم صرفه جویی در خانه و منزل خودمان بکنیم چه خواهیم کرد؟ مصارف تفننی را می‌زنیم طبق مقررات دولتی خرید باید تابع بشود به استعلام نامه و طرح و روش بسیار جالبی است که اگر صادقانه انجام بگیرد اشکالی ندارد دولت در چند سال پیش ۱۲ دستگاه رادیو لژی می‌خواست بخرد استعلام بها کرده بود استعلام بها مجموعا در حدود چند میلیون تومان میشد بما اطلاع رسید که در این استعلام بها تحولی صورت گرفته اما دانشکده پزشکی هم آگاه تر از این بود وقتی که ما متوجه شدیم در این استعلام بها که یک میلیون بیشتر اختلاف بود گفتیم استعلام بها بجاست اما این ۷ کمپانی را که تقاضای رادیو لژی از آنها کرده‌ایم دعوت کنید بیایند اینجا ، گفتند این خلاف مقررات است ما استعلام بها کرده‌ایم باید برنده را معلوم کنید گفتیم اگر چنانچه حفظ مصالح و در حقیقت رعایت حقوق یک سازمان دولتی مخالف مقررات باشد و موجب تعقیب و توبیخ ، ما آن توبیخ را می‌پذیریم ، بالاخره نمایندگان این کمپانی‌ها آمدند نتیجه این شد که در حضور آن‌ها یک نوع منافعه حضوری صورت گرفت و ما ۵ میلیون تومان به نفع دانشکده پزشکی استفاده بردیم بنابراین ملاحظه بفرمائید در یک رقمی که مطابق مقررات اگر ما متوجه نبودیم خواه ناخواه مقادیر زیادی سوء استفاده میشد پس اگر استعلام بها با صداقت انجام بگیرد بسیار خوب است ، موضوع دوم صرفه جویی در مصرف است ما شرقی‌ها بخصوص ما ایرانیها اسراف می‌کنیم مثلا یکی از رفقا را دعوت میکنیم برای ناهار بجای اینکه برای یک و دو نفر غذا تهیه کنیم یک سفره بزرگ می‌سازیم همه شما دوره‌هائی دارید که شما زن و مرد دور هم جمع میشوند این دوره‌ها عاقبت به خیر نیست برای این که یک وقتی می‌روید یکی فسجون اضافه کرده یکی شیرینی زیادی خریده یکی میوه آورده خلاصه در اینکار رقابت می‌کنند خود نمائی و ظاهر سازی می‌کنند

وقتی که وزارت خارجه ما دعوت می‌کند سفره‌ای بهم میشود از اینجا تا آنجا ولی ما در کشورهای بیگانه که دعوت می‌کنند میدانید به چه ترتیب پذیرائی می‌کنند بایک ساندویچ مهمانی میدهند ، اگر شما هزینه سفره‌های را که وزارتخانه‌های ما دارند حساب کنید از بسیاری کیفیات متوجه میشوید که اگر این پول به مصارف دیگری میرسید منافع اجتماعی آن بیشتر بود می‌خواهم پیشنهاد بدهم که اولیاء امور و دستگاههای دولت ، جناب آقای دکتر مجیدی هم تشریف دارند اعتبار این قسمت را که ظاهر سازی است کم بکنند ، این اعتبارات را بدهید به روستاهائی که آب ندارند (صحیح است) ، صرفه جویی در نوع مصرف صرفه جویی در خرید.

(در این موقع آقای عباس میرزائی در جلسه حضور پیدا کردند) آقای عباس میرزائی جای شما خالی بود و من یک غیبتی کردم ، که قسمت اول نطق شما خیلی خوب و استادانه بود و باعث شد که مجلس شورای ملی شما را بعنوان رهبر کارگران قبول داشته باشد و خیال می‌کنم کارگران از نظر آموزش و پرورش در سطح خوبی باشند و پیشنهاد کردم آن قسمت دوم سخنرانی شما که جنبه دفاع ، خودتان گرفته بودید از صورت جلسه مذاکرات حذف شود که سابقه نباشد یک نماینده مدافع دولت در مقابل نمایندگان دیگر باشد ، (احسن است) اما صرفه جویی در نوع ، بسیاری از کلمات است که اگر بخواهیم مشابه‌اش را پیدا کنیم پیدا نمیشود ، رادیو یعنی چه ، (عباس میرزائی - یعنی جعبه صدا) ، جعبه صدا خیلی چیزها هست ، در مورد زبان من استدعایم این است که زبان ما باید زبان جهانی باشد شما اگر تعصب به تخریب بدهید در تنگنا می‌مانید دانش روه افزایش است لغات و کلماتی در فن هواپیمائی فقط مستعمل است که در کتابی به قطر چندین سانتیمتر جای دارد که یکی از آنها هم در زبان فارسی نیست اگر بخواهیم بگوئیم فقط فقط زبان ما منحصر است به کلمات گذشته که می‌خواهیم تجدید حیات بکنیم و از کلماتی که از خارج آمده ، است جدا بشویم هیچگاه به اوج ترقی نخواهیم رسید.

عباس میرزائی - زبان ما زبان اصیلی است .
دکتر چهارزی - چون شما مرشد و رهبر کارگران هستید عقیده شما نه فقط برای کارگران محترم است ما هم احترام می‌گذاریم زبان برای ارتباط میان افراد است برای آموزش و پرورش است ارتباط میان افراد خودمان ، با زبان خودمان به خوبی صورت می‌گیرد ، شعر می‌گوئیم بیان می‌کنیم اما

یکی مثل من. و شما که برای کسب لذت متوسل به یک ماده مخدر میشوید و یا برای نجات او از رنج و درد برای اینکه آن شخص بتواند از این رنج و ناراحتی رهایی پیدا کند باید هزینه اش را از خزانه ملت برداریم خصوصیت اعتیاد اینست که باید تدریجاً مقدار آنرا بالا ببرد روزاول یک پوک و به تدریج بیشتر و بیشتر. آقای مظهری اگر گذارتان به شیراز و اصفهان و مشهد بیفتد می بینید که درست می گویم. (مظهری - قربان بنده شیرازی نیستیم) گذارتان که می افتد، به هر حال نتیجه اینست که این شخص از بله اعتیاد بالا می رود و معتاد میشود، سرورعه احتیاج پیدا می کند دست توسل به به آن ماده مخدر دراز کند حال به بنیم علت اعتیاد چیست؟ دودرصد عدم تعادل روانی است، ۵ درصد به سبب نداشتن دارو و درمان است، دردهات برای معالجه دندان درد و یا اسهال به آن روی می آورند ۸ درصد به سبب ابتلائات اجتماعی است مثل عاشق شدن و ورشکستگی، ۵ درصد معلول معاشرت و همفکری و همشنینی با دیگران است (صحیح است). خانمها و آقایان این موضوع را ساده نگیرید من احتیاج ندارم به اینکه به شما بگویم تاجه حد این اعتیاد به تریاک رواج پیدا کرده است (رئیس - در تمام دنیا اعتیاد زیاد است) آقای دکتر آشتیاب فرمائید تریاکی و اعتیاد به این شکل در هیچ جای دنیا نیست، اعتیاد به تریاک منحصر به ایران است البته اعتیادات دیگری هست، الکل در اروپا جزو اعتیادات است بعد از جنگ جهانی هروئین وحشیش و ال - اس - دی در تمام طبقات رخته کرده است این مربوط به تریاک نیست. داستان مفصل است عده زیادی از جانبیان طرفدار قاچاق تریاک موجباتی فراهم کردند تا اینطور وانمود کنند که علت اشاعه هروئین وحشیش جلوگیری از کشت خشخاش است. تریاک داستانی ۱۵۰ ساله دارد. قبل از ۱۵۰ سال در ایران اینقدر خشخاش کشت میشد و اعتیاد به این شکل اشاعه داشت؟ (مظهری ریشه استعماری دارد).

۳ - تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه

نایب رئیس - آقای دکتر چه رازی وقت این جلسه تمام شده است با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۳ بعد از ظهر امروز خواهد بود.

(جلسه در ساعت یک بعد از ظهر ختم گردید)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید

به محض اینکه در حرم دانش وارد میشویم لغت نداریم آقای عباس میرزائی یک کتاب طیب من به خود شمارائه میدهم من دوازده جلد کتاب پزشکی نوشته ام اولین کتابی که نوشتم مصادف بود با آن جشنی که در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ راجع به فرهنگستان ایران و حفظ زبان و احیاء کلمات مواجه بود. از لغات علمی و فنی ما هم استفاده میکنیم همه جای دنیا اصطلاحات فرنگی هست البته در مورد زبان مادری همه تعصب به خرج میدهند ولی بصورت مسلم در مورد اصطلاحات هواپیمائی همه ملل از آن کلمات بخصوص استفاده میکنند. زبان اصلی ما زبانی است بسیار غنی از لحاظ شعر و مجاوره و غیره ولی تعصب به خرج بدیمیم که لغات گذشته را زنده کنیم مثلا شهرداری بجای بلدی، ارتش بجای نظام خیلی عالی است اما نشست بجای جلسه را قبول نکند زیرا یک مقدار از کلمات عربی جنب ما شده است ما نمیتوانیم از آنها جدا شویم اخیراً از طرف فرهنگستان یک کتابی برای من فرستاده اند نوشته اند که عقیده شما راجع به این واژه حاجست؟ با وجودیکه این جریان بودجه مطرح بود من مقداری از وقت خودم را صرف مطالعه کتاب کردم و نصفش را بررسی کردم کلمات بیگانه و کلمات لاتین یک مقدمه و مؤخره بنام سوفیکس و پرفیکس دارد که از هر کلمه ۵ کلمه می سازد نباید درباره بکار بردن کلمات علمی و بین المللی تعصب به خرج بدیمیم باید برای حفظ زبان اصیل خودمان کوشا باشیم هر آنچه شایسته است. (دکتر عاملی - جناب دکتر، علائم بین المللی وجود ندارد اجازه بدید این بحث فنی باز باشد و نتیجه گیری نفرمائید) استنتاج من اینست که زبان فارسی زبان بسیار زیبا و جامع در قدیم بوده است چنانچه در دوره اول اسلام تمام دقاتر دولتی دستگاه خلیفه اسلامی به زبان پارسی بوده است به هر حال از جهت صرفه جویی در مصرف من در این بودجه که نگاه کردم به یک رقم مصرفی که ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار برای درمان معتادین منظور شده است برخوردیم عجباً! فردی برای تفنن برای لذت و نشئه می رود دنبال چیزی مثل تریاک یا حشیش یا ماده مخدر دیگر که در مملکت مادر جان حاضر تریاک رواج دارد او می رود و اعتیاد دامن گیرش میشود آنوقت هزینه معالجه اش را باید من و شما یا آن روستائی بدبخت بدیمیم (بعضی از نمایندگان - دولت مسئول است) اگر قرار باشد دولت هر چه میگوید درست باشد و ما هم قبول کنیم این جلسه دیگر موردی ندارد تا ما ارائه طریق کنیم. معتاد کیست؟